



Research Paper

Explaining the Components of Residents' Satisfaction with the Spatial Quality of Ahvaz Residential Complexes: A Comparative Assessment (Application of Content Analysis Approach)

Saba Mirderikvandi¹ Mostafa Masoudinejad ^{*2} Behzad Vasigh³

¹ PhD student in Architecture, Department of Architecture, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

² PhD in Architecture, Assistant professor, Department of Architecture, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

³ PhD in Architecture, Visiting Associate Professor, Department of Architecture, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran / Jundi_shapur University of Technology, Dezful, Iran.

Keywords

Spatial Quality, Resident Satisfaction, Post-Occupancy Evaluation (POE), Culture-Based Design, Residential Architecture.



ABSTRACT

This study aimed to explain and comparatively evaluate the components influencing residents' satisfaction with the spatial quality of residential complexes in Ahvaz, Iran. Conducted as a cross-sectional study in 2025, the research adopted a qualitative framework, utilizing the Post-Occupancy Evaluation (POE) method and relying on content analysis of data obtained from in-depth interviews with 19 residents and architecture experts. The study population comprised residents of five prominent residential complexes in Ahvaz, selected based on criteria such as socioeconomic diversity, level of vibrancy and social interactions, cultural and indigenous characteristics, as well as physical distinctions among the complexes. The findings reveal that a multitude of subjective and objective components contribute to resident satisfaction. Crucially, the interaction between cultural, social, psychological, and aesthetic factors and physical, functional, and environmental factors played a determining role in both satisfaction and the overall quality of the residential experience. Complexes that incorporated cultural harmony, legible spatial hierarchy, efficient public services, and flexible spaces in their design demonstrated significantly higher levels of resident satisfaction. Consequently, the final results emphasize the critical importance of culture-based and human-centered design in enhancing the quality of residential spaces, particularly within the hot and diverse climate of Ahvaz. This insight can serve as a valuable foundation for revisiting future urban design and planning policies in the region.

*Corresponding Author: Mostafa Masoudinejad

Email Addresses: mostafa_masoudinejad@yahoo.com.

Mirderikvandi, S., Masoudinejad, M. and Vasigh, B. (2025). Explaining the Components of Residents' Satisfaction with the Spatial Quality of Ahvaz Residential Complexes: A Comparative Assessment (Application of Content Analysis Approach). *Human Ecology*, 4(12), 1506-1525.



Doi: <https://doi.org/10.22034/he.2025.560158.1167>



تبیین مولفه های رضایت ساکنان از کیفیت فضایی مجموعه های مسکونی اهواز و ارزیابی مقایسه ای آنها: کاربرد رویکرد تحلیل محتوا)

صبا میردريکوندي^۱ مصطفی مسعودی نژاد^{۲*} بهزاد وثیق^۳

۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲ دکتری معماری، استادیار گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۳ دکتری معماری، دانشیار مدعو گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران / دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دزفول، ایران.

واژگان کلیدی

کیفیت فضایی، رضایتمندی ساکنان، ارزیابی پس از بهره برداری (POE)، طراحی فرهنگ مینا، معماری مسکونی



چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین و ارزیابی مؤلفه های مؤثر بر رضایتمندی ساکنان از کیفیت فضایی مجموعه های مسکونی شهر اهواز به شکل مقطعی در سال ۱۴۰۴ انجام پذیرفت. این مطالعه در چارچوب رویکرد کیفی با بهره گیری از روش ارزیابی پس از بهره برداری (POE) و با تکیه بر تحلیل محتوای داده های حاصل از مصاحبه های عمیق با ۱۹ نفر از ساکنان و خبرگان معماری انجام گرفت. جامعه مورد بررسی شامل ساکنان پنج مجتمع مسکونی شاخص شهر اهواز است که بر اساس معیارهایی همچون تنوع اجتماعی-اقتصادی ساکنان، میزان سرزندگی و تعاملات اجتماعی، ویژگی های فرهنگی و بومی، و تفاوت های کالبدی میان مجموعه ها انتخاب شدند. یافته ها نشان داد که مؤلفه های ذهنی و عینی متعددی بر رضایت ساکنین نقش داشته و تعامل میان عوامل فرهنگی، اجتماعی، روانی و زیبایی شناسی با عوامل کالبدی، عملکردی و زیست محیطی نقش تعیین کننده ای در رضایت و کیفیت تجربه سکونت آنها داشته است. مجتمع هایی که در طراحی خود هماهنگی فرهنگی، سلسله مراتب فضایی خوانا، خدمات عمومی کارآمد و فضاهای انعطاف پذیر را لحاظ کرده بودند، سطح بالاتری از رضایت ساکنان را نشان دادند. لذا نتایج پایانی پژوهش بر اهمیت طراحی فرهنگ مینا و انسان محور در بهبود کیفیت فضاهای سکونتی در اقلیم گرم و متنوع اهواز تأکید دارد که می تواند مبنایی برای بازنگری در سیاست گذاری های طراحی و برنامه ریزی شهری آینده فراهم سازد.

ارجاع به این مقاله: میردريکوندي، صبا، مسعودی نژاد، مصطفی و وثیق، بهزاد. (۱۴۰۴). تبیین مولفه های رضایت ساکنان از کیفیت فضایی مجموعه های مسکونی اهواز و ارزیابی مقایسه ای آنها: کاربرد رویکرد تحلیل محتوا. اکولوژی انسانی، ۴(۱۲)، ۱۵۰۶-۱۵۲۵.

۱. مقدمه

مسکن و داشتن سرپناه جز بدیهی‌ترین حقوق و ابتدایی‌ترین نیازهای انسان است که در جامعه می‌بایست به بهترین شکل ممکن امکان دسترسی تمام افراد را به آن فراهم آورد (ملکشاهی و همکاران، ۱۳۹۷). در ایران همگام با روند رشد شهرنشینی فزاینده، سیاست تولید مسکن انبوه در قالب مجموعه و مجتمع‌های مسکونی به عنوان یکی از راه‌های پاسخ به نیاز مسکن به سرعت گسترش یافته است. ایجاد کوی‌های مسکونی برای نیازهای مسکن ساکنان، احداث مجتمع‌های کوتاه مرتبه یا بلند مرتبه در مقیاس بزرگ و کوچک از جمله اقدامات ایجاد مجموعه‌های مسکونی بوده است (ملک محمدنژاد، و عزیز، ۱۳۸۶). رشد شتابان شهرنشینی از دهه ۱۳۴۰، اساسی‌ترین نیاز انسان یعنی سکونت را به عنوان یک مسئله خاص شهری مطرح نموده است. این رشد شتابان، موجب شکل‌گیری محله‌ها و مجموعه‌های مسکونی زیادی در کشور شده است (داداش پور و روشنی، ۱۳۹۲) که در برخی از موارد و به دلایل گوناگونی به دلیل پایین کیفیت این مجتمع‌ها و محدود بودن امکانات موجودشان باعث افزایش ناراضی‌تبی و عدم تأمین خواسته‌های ساکنین شده است.

معمولاً کیفیت محیط‌های سکونتی شهری از طریق شاخص‌های ذهنی و عینی حاصل از پیمایش و ارزیابی ادراکات ساکنان از محیط زندگی آنان اندازه‌گیری می‌شود تا میزان رضایتمندی و بهره‌مندی ساکنان از ویژگی‌های محیط سکونت خود (ویژگی‌های محیطی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و مدیریت و ...) به دست آید (شکرگذار و همکاران، ۱۳۹۷). امروزه رضایتمندی از سکونت به عنوان یک عامل مهم به عنوان ارزیابی کیفیت مسکن و محیط آن بوده و از طرفی عامل ارتباط بین واحد‌های همسایگی و محیط اطراف را تعیین می‌کند (حاجی حسینی و شهاییان، ۱۳۹۳) که در بیشتر مواقع مورد فراموشی واقع شده است. همان‌طور که مشهود است، ساخت مسکن، مجتمع‌ها و مجموعه‌های مسکونی به صورت انبوه در ایران صورت می‌پذیرد، اما متأسفانه ارزیابی دقیقی برای شناسایی ایرادات و برطرف کردن اشکالات طراحی طراحان و رفع آنها و کسب رضایت کاربران وجود ندارد.

این مشکل کماکان در سرتاسر ایران، از جمله استان خوزستان در شهر اهواز هم به صورت حادی به چشم می‌خورد. از اینرو به نظر می‌رسد، انجام هرگونه پژوهشی در این رابطه که بتواند با توجه به فرهنگ و شیوه زندگی ساکنین، با دستیابی به راهبردهایی تأثیرگذار برای طراحان و کاربران، رضایتمندی ساکنان و هم‌چنین نظام صحیح ارتقای کیفیت فضایی اینگونه محیط‌ها را ارتقا دهد، اقدامی مهم و ضروری باشد. از اینرو تلاش برای ارتقای کیفی مجموعه‌های مسکونی، به منظور دستیابی به فضاهایی پویا و زنده و پایدار در این مراکز، حائز اهمیت بوده که می‌تواند با شناسایی و سنجش ابعاد کیفیت فضایی آن در چارچوب مولفه‌ها و شاخص‌های رضایتمندی سکونتی ایجاد شده و سرانجام دقیق‌تری پیدا کند (علی پور و همکاران، ۱۳۹۱). لذا در همین راستا، این مطالعه با هدف بررسی پس‌زمینه‌های فرهنگی و عدم سنخیت فرهنگی-اجتماعی با کالبد و عملکرد در این مراکز، که منجر به بی‌کیفیتی و ناراضی‌تبی این محیط‌های سکونتی برای کاربران شده، است سعی دارد تا پاسخ‌های مناسبی برای سوالات اصلی این پژوهش ارائه نماید. لذا این تحقیق به دلیل اشاره به متغیرهای جامع در زمینه ارتقا کیفیت فضایی به روش ارزیابی پس از بهره‌برداری در حیطه مجموعه‌های مسکونی با تأکید بر فرهنگ در شهر اهواز و مقایسه تطبیقی آنها، دارای جنبه نوآورانه می‌باشد.

سوالاتی که این پژوهش در صدد پاسخگویی به آن است عبارتند از: ۱- مولفه‌های اصلی فرهنگی موثر بر روی عوامل مشترک قابل سنجش (عینی و ذهنی) این مجموعه‌های مسکونی در شهر اهواز کدامند؟ ۲- تفاوتها و اشتراکات میان این عوامل مشترک در میان ساکنین مجتمع‌های مسکونی کدامند؟ لذا این تحقیق به دلیل اشاره به متغیرهای جامع در زمینه ارتقا کیفیت فضایی به روش ارزیابی پس از بهره‌برداری در حیطه مجموعه‌های مسکونی با تأکید بر فرهنگ در شهر اهواز، دارای جنبه نوآورانه می‌باشد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. کیفیت فضای مسکونی:

در فرهنگ عمید (۱۳۶۰) مفهوم واژه کیفیت در فرهنگ عمید معادل چگونگی، چونی، صفت و چیزی است. در واژه نامه انگلیسی آکسفورد ۲۰۰۶ نیز معادل quality که به ماهیت، نوع یا خصوصیت یک شی اشاره می‌کند و موجب خاص و جالب شدن آن می‌گردد. فرهنگ آکسفورد نیز برای واژه کیفیت چهار معنا به ترتیب زیر ارائه می‌دهد: ۱- درجه خوبی و ارزش چیزها ۲- خوبی و کمال به مفهوم عام ۳- صفات و خصوصیات ۴- جنبه ویژه و علائم ممیزه. واژه کیفیت در زبان لاتین (qual) به معنی چیزی و چه و Quality چگونگی آمده و qol از نظر واژه به معنی چگونگی زندگی است و در برگیرنده تفاوت‌های آن است که برای هر فرد منحصر به فرد بوده و با دیگران متفاوت است (شکرگزار و همکاران، ۱۳۹۷). اساساً کیفیت توانایی کافی برای یک محصول یا خدمات ویژه است. کیفیت مجموعه‌ای از خصوصیات یا صفات مشخص که باعث متمایز کردن یک شی از اشیا دیگر شده است و ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت و یا فروتری چیزی در مقایسه با چیز دیگر قضاوت و حکم نمائیم، و از نظر زیبا شناختی در مورد زیبا یا زشت بودن، خوب یا بد بودن، و از نظر عملکردی در مورد

بهتر یا بدتر بودن و کارآمد بودن یا ناکارآمد بودن آن قضاوت و حکم نمائیم (گلکار، ۱۳۸۷). کیفیت محل سکونت هم مفهومی واجد ارزش ذهنی محسوب می شود. این ارزش به واسطه ارزش محیط مسکونی شهری که در بردارنده ویژگی های اساسی نظیر رضایتمندی فردی از مسکن، محله و همسایگان است، تعیین می شود. بدین ترتیب ارزش ذهنی کلی محیط مسکونی، معادل مجموع ارزیابی های صورت گرفته از ویژگی ها و مولفه های سازنده محیط است (حاجی حسینی و شهبابیان ۱۳۹۳). اصولاً کیفیت مفهومی چند وجهی است، یعنی مفهومی است روشن و واضح ولی در عین حال چند پهلو که در تمامی دانش ها و زمینه های مرتبط با زندگی انسان به کار رفته و مورد استفاده قرار گرفته شده است. کیفیت در حالت عادی و به معنای کاملاً واضح، برای وصف درجه ی کمال اشیا و پدیده ها به کار برده می شود. در واقع منظور از کیفیت از طرفی خاصیت ها و ویژگی های اصلی یک چیز است، از طرف دیگر کیفیت، کلیت و سیستمی از جز کیفیت هایی است که یک چیز را به وجود آورده اند (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۵).

هنگامی که معماری یک فضا به درستی شکل گیرد، تفاوتی ندارد که متعلق به چه زمان و دوره ای باشد. آنچه حائز اهمیت می باشد، آن است که امروزه نیز مخاطب خود را دارد. از اینرو پژوهش معماری بیشتر الفبایی کیفی دارد و امکان رسیدن به مفاهیم ناب آن جز از راه تبیین و تفسیر از راه دیگری چندان میسر نیست (عظیمی حسن آبادی، ۱۳۹۲). از اینرو مفهوم کیفیت فضای معماری به دو بخش کیفیت فضایی که بنای معماری خارج از خود ایجاد می کند و کیفیت فضای داخلی معماری تقسیم می شود. برای مطالعه کیفیت فضای مجموعه های مسکونی باید به هر دو دسته این فضاها توجه داشت.



شکل ۱. کیفیت فضای معماری

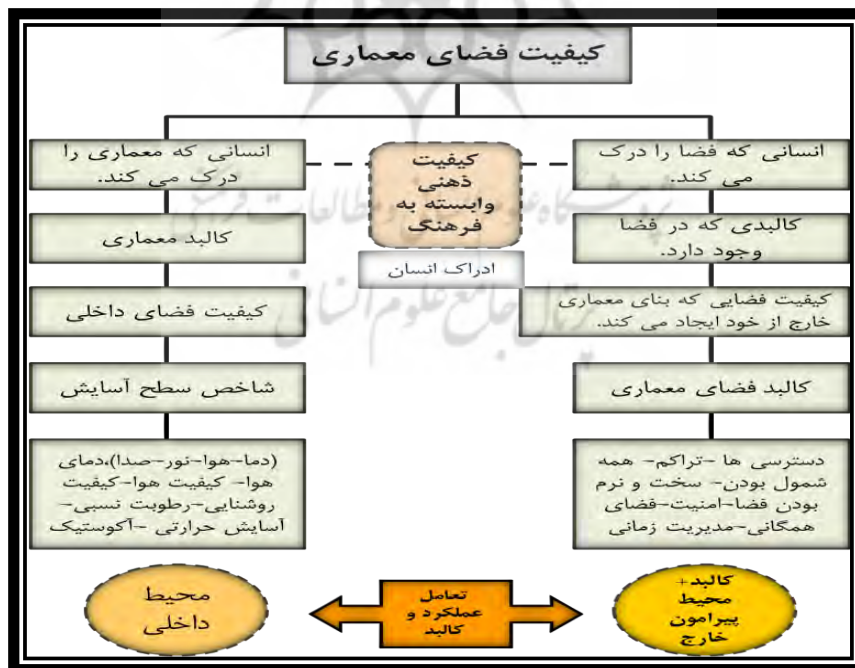
۲-۲. عوامل تعیین کننده کیفیت فضای معماری

اصولاً کیفیت معماری، کیفیت معمارانه و نیز کیفیت فضای داخلی را به ذهن متبادر می کند. هر دو این کیفیت ها تحت تأثیر دست کم دو عامل اساسی قرار دارد؛ انسانی که فضا را درک می کند و کالبدی که در فضا وجود دارد یا آن را تهدید و مشخص می کند (دامبار وناری قمی، ۱۳۹۱). دسترسی، سخت فضا و نرم فضا، فضای همگانی، ایمنی و امنیت، اختلاط و تراکم، همه شمول بودن و مدیریت زمانی فضا (تیسدل و همکاران، ۱۳۹۴) را می توان در کیفیت فضا موثر دانست. در اینجا، امنیت از عوامل انسانی و محیطی بسیار مهمی است که با تأثیر مستقیم بر برنامه ریزی و طراحی مجموعه های مسکونی، کیفیت زندگی انسانها را ارتقا می بخشد. مؤلفه های متعددی برای امنیت وجود دارد که از جمله آنها می توان به مواردی همچون: خوانایی، میزان دسترسی، تعریف و کنترل حریم ها، نور و روشنایی فضاها، مسئله نظارت، اشراف و برقراری تناسب میان تراکم جمعیت و مسکن اشاره نمود (Monavari & Tabibian, 2006). البته ارزشگذاری بر سطح روشنایی محیط های زندگی، میزان صدا، دمای محیطی در آنها، ابعاد، نوع و شکل پله ها، از نمونه موضوعاتی هستند که در بسیاری از نقاط با یکدیگر متفاوتند (Rapaport, 2005). وظیفه معماری شکل دادن به مکان زندگی انسان است و کیفیت رویدادها و موقعیت هایی که در آنها فراهم می آوریم، موجب ایجاد حیات در بناها می گردد. اشاره شد که کیفیت فضای معماری به دو بخش کیفیت فضایی و کیفیت فضای داخلی

تقسیم می‌شود. کیفیت فضای معماری که می‌توان از آن به عنوان کیفیت کالبدی نیز نام برد، بر مبنای ساختار یک بنا و اغلب به صورت ضوابط و استانداردها تعریف می‌شود. «کیفیت فضای معماری گاه به ویژگی ظاهری ساختمان‌ها تعبیر می‌شود. این وجه از کیفیت، انعکاسی از وضع مادی زندگی انسان تلقی شده و از آنجا که اموری ثابت و واقعی هستند، سبب به وجود آمدن شاخص‌های عمومی برای ارزیابی آثار معماری می‌شوند» (Rapoport, 2012). عملکرد کیفیت معماری ممکن است متأثر از چگونگی طراحی، ساخت، نگهداری و بهره‌برداری توسط ساکنان آن باشد. از میان عوامل محیطی تأثیرگذار بر کیفیت محیط داخلی، توجه به سایت پلان و چگونگی قرارگیری ساختمان در محل، عوامل تعیین‌کننده‌ای در برقراری آسایش است. از این جهت انتخاب و طراحی سایت نقش بسیار مهمی در بهبود کیفیت معماری دارند (Ali et al., 2009). کیفیت فضای داخلی یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده کیفیت معماری است. کیفیت محیط داخلی معماری به عنوان شاخص سطح آسایش مطرح می‌شود (Mihai & Iordache, 2016) و نقش مهمی در تأمین سلامت، آسایش و عملکرد انسان ایفا می‌کند (Mumovic, D., & Santamouris, 2013). کیفیت محیطی شامل مؤلفه‌های کیفیت کالبدی-محیطی (Sameh, 2014) و معنایی-ادراکی است (Bahrapour & Modiri, 2015). کیفیت محیط داخلی بخش جدایی‌ناپذیر از عملکرد کامل بنای معماری است که شامل چند عامل محیطی مانند کیفیت هوا، دمای هوا، رطوبت نسبی و آکوستیک می‌شود (Almomani & Hindeih, 2009). در یک جمع‌بندی کلی تر، می‌توان برخی عوامل تعیین‌کننده کیفیت کالبدی فضای معماری (جدول ۱) و عوامل تعیین‌کننده کیفیت فضای معماری (شکل ۲) را به شرح زیر نشان داد.

جدول ۱. برخی عوامل تعیین‌کننده کیفیت کالبدی فضای معماری (هاشم پور، سامی، ۱۳۹۷)

متغیرها	ریز متغیرها
ویژگی‌های کالبدی	تعداد اتاق و مساحت فضاها (Carp, Shokron, 1976, Sarmast, Motavaseli, 2011)
	نوع مصالح ساختمانی (Azizi, 2004)
	تراکم ساختمان‌ها (Amini et al. 2014)
	گونه‌شناسی بلوک‌ها (Aeinifar, Ghazizadeh, 2011)
کالبد محیط پیرامونی (Meshkini et al. 2012)	دسترسی به تسهیلات و خدمات محله‌ای (Carp, Shokron, 1976, Rik Van, 2011)
	دسترسی به خدمات اشتغال، کاربری آموزشی، بهداشتی، ورزشی و فراغتی (Meng et al. 2011)
	دسترسی به زیرساخت‌ها (آب، برق، فاضلاب، گاز و مخابرات) (Meshkini et al. 2012)
	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی (Vatankhah, Gharib, 2009)



شکل ۲. زیرمجموعه‌ها و عوامل تعیین‌کننده کیفیت فضای معماری

^۱ کیفیت محیط داخلی به واسطه کیفیت نامطلوب هوا، دمای زیاد هوا، رطوبت بیش از حد و تهویه ناکافی، می‌تواند تأثیر منفی بر سلامت فیزیکی کاربران داشته باشد (مثلاً تشدید آسم و آلرژی تنفسی). کیفیت محیط داخلی همچنین به واسطه نورپردازی ناکافی، آکوستیک و طراحی ارگونومیک نامناسب، می‌تواند تأثیر منفی بر سلامت روانی افراد (برای مثال، افسردگی و استرس) داشته باشد (Singh et al., 2010).

۳-۲. رضایتمندی از کیفیت سکونت:

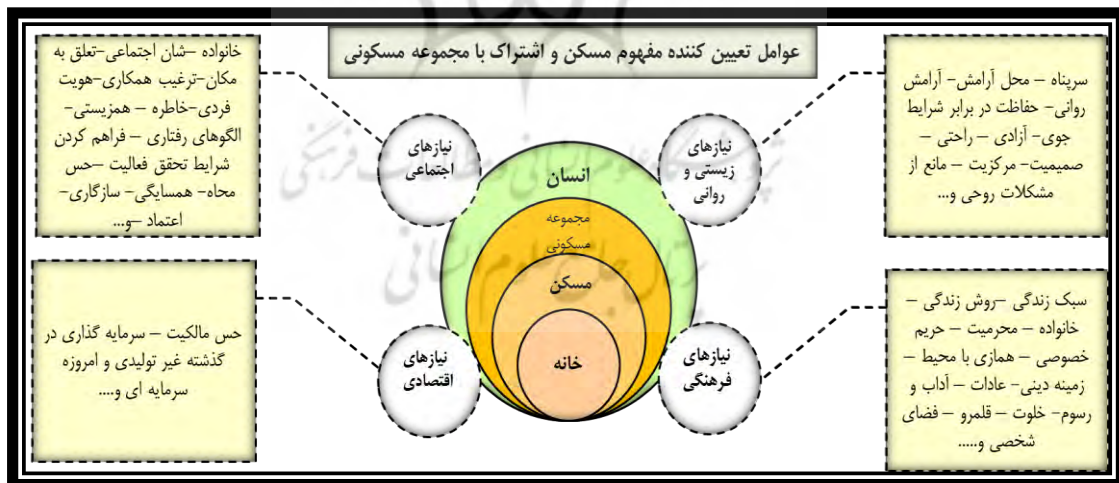
رویکرد رضایتمندی از جمله رویکردهای است که در چند دهه اخیر در ارتباط با مباحث کیفیت محیطی وارد شده است. رضایت و ناراضی و انعکاس دیدگاه ساکنان در مورد وضعیت محیط زندگی آنها، نشان دهنده میزان کیفیت محیطی محل زندگی هم می باشد. رضایتمندی مفهوم گسترده ای دارد و به دامنه وسیعی از تمایلات و مطلوبیت ها جهت رفع نیازهای ابتدایی تا متعالی انسان دلالت دارد (هاشم نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). مفهوم رضایتمندی که به عنوان تابعی از میزان کامروایی و ارضای نیازهای جسمی و روانی فرد تعریف می شود، مفهومی برخاسته از نظریه های انگیزش و نیازها در روان شناسی است که همه زمینه ها و ابعاد زندگی را در بر می گیرد. در واقع مفهوم رضایتمندی بر دامنه گسترده ای از تمایلات و مطلوبیت ها برای رفع نیازهای پایه و یا متعالی انسان اشاره دارد. بسیاری از افراد به چیزهایی که نمی توانند داشته باشند، تمایل دارند و بنابراین به دلایل مختلف باید این نیازهای خود را از مناطقی که تمایل کمی نسبت به آنها وجود دارد، انتخاب و تامین نمایند. وقتی آن چه را که تمایل داریم بتوانیم انتخاب و کسب نماییم، رضایتمان حاصل می شود. هر چند مسکن است این رضایتمندی طیف مختلفی را پوشش می دهد (رضایی و کمائی زاده، ۱۳۹۱). یکی از حیطه های رضایت از زندگی، رضایت از محیط مسکونی و به تبع آن رضایت مسکونی می باشد. امروزه با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه زندگی و سکونت مردم، توجه طراحان و برنامه ریزان به کیفیت فضاها و محیط ساخته شده به منظور تأمین رضایت ساکنان افزایش یافته است. در واقع رضایت زندگی وابستگی نزدیکی با رضایت مسکونی دارد (رضایی و کمائی زاده، ۱۳۹۱). گلاستر رضایتمندی سکونتی را شکاف میزان خواسته های مخاطب و آرمان ها و واقعیات درک شده از شکل فعلی مسکن تعریف می کند (دروری و همکاران، ۱۳۹۳). لذا رضایتمندی سکونتی میزانی است که اجتماع نیازها و امیال شخص را بر آورده می کند. میزانی که آنها برآورده می شوند به ارزیابی شخص از عناصر کالبدی، اجتماعی، فردی که اجتماع ارائه می دهد از قبیل محیط کالبدی با کیفیت بالا، دسترسی به خدمات اجتماع، کیفیت مسکن، شبکه های تعاملی، احساس های تعلق و مقبولیت و سیستم هنجارها و ارزش ها وابسته است. تئوری های رضایتمندی سکونتی بر اساس نظریه ای است که رضایتمندی سکونتی مقیاس تفاوت میان موقعیت خانه و محله واقعی و مطلوب ساکنان است که بر اساس نیازها و آرزوهایشان قضاوت می شود. رضایتمندی از موقعیت سکونتی نشانگر شکایت نداشتن است، در نتیجه نیازهای آنها آرزوهایشان را برآورده می کند. به عکس، احتمال دارد اگر نیازها و آرزوهای سکونتشان برآورده نشود، آنها احساس ناراضی از مسکن و محله هایشان دارند (صوفی نیستانی و رفیعیان، ۱۳۹۳). رضایتمندی سکونتی به ابعاد محیط وابسته است و هدف اصلی از آن توصیف کیفیت زندگی کلی است و رضایتمندی سکونتی توصیف کننده تعامل خرد با محیط مسکونی وی است که به صورت تجربه مطلوب و خشنودی حاصل از زندگی در یک مکان خاص تعریف شده است. (همان) رضایت از محل سکونت معادل حس رضایتی است که فرد یا عضوی از یک خانواده از مسکن فعلی خود درک یا تجربه می کند. از آن جایی که رضایتمندی سکونتی بخشی از حوزه رضایتمندی از زندگی در معنای عام است، یکی از مطالعه شده ترین موضوعات در زمینه محیط مسکونی است. و اغلب صحبت ارزیابی ادراکات و احساسات ساکنین از واحد مسکونی و محیط زندگی خویش به کار می رود. رضایتمندی سکونتی، متأثر از طیف گسترده ای از شرایط ادراک شده عینی و ذهنی است (عابدی و همکاران، ۱۳۹۳). رضایتمندی سکونتی معادل میزان رضایت درک و تجربه شده فرد یا عضوی از یک خانواده از موقعیت سکونتی فعلی خود محسوب شده است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۸). مطالعات مختلفی نشان داده است که می توان با بکارگیری تطابق مکانی فضایی انعطاف پذیر، میزان رضایتمندی را بیشتر نمود و از این بحث در انگلستان با انجام مطالعاتی حمایت شده است. در گزارش سال ۲۰۰۴ موسسه "CABE I RIBA" درباره آینده "خانه سازی از فرهنگ، انعطاف پذیری و انتخاب" به عنوان موضوعات کلیدی شناخته شده در ۲۰ سال آینده یاد شده است (Schneider & Till, 2005). پس می توان اینگونه جمع بندی کرد که رضایتمندی سکونتی به عنوان احساس رضایت حاصل از دست پیدا کردن فرد به آمال و نیازهای سکونتی خویش تعریف شده است (Abdul Mohit et al., 2000).

جدول ۲. معیارها و زیر معیارهای رضایتمندی از مجتمع های مسکونی (فرج پور و همکاران، ۱۴۰۰)

معیارها	فضاهای مجتمع های مسکونی	هدف
ابعاد واحد مسکونی	فضای داخلی	معیارها و زیر معیارهای رضایتمندی از مجتمع های مسکونی
تعداد اتاق های واحد مسکونی		
ارتفاع سقف واحدهای مسکونی		
تعداد واحد های موجود در مجتمع		
فرم ساختمان		
ابعاد و اندازه مشاعات		
دیاگرام عملکردی		
فرم فضاهای داخلی		
فرم فضاهای خارجی و محوطه سازی		

۴-۲. مسکن و مفهوم مجموعه‌های مسکونی

مقوله مسکن گسترده و پیچیده است، ابعاد متنوعی دارد و نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه کرد. مسکن یک مکان فیزیکی است و به‌عنوان سرپناه نیاز اساسی خانوار به حساب می‌آید. در آن سرپناه برخی از نیازهای اولیه خانواده یا فرد مانند خوراک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط جوی تأمین می‌شود. مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در برمی‌گیرد. در معنای لغوی، مسکن اسم مکان است بر وزن مَفْعَل به معنای محل آرامش و سکونت که از ماده سکن به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی اطلاق می‌شود که انسان در آن زندگی می‌کند.^۱ سکونت را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد که این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. بدین ترتیب، انسان زمانی بر خود وقوف می‌یابد که مسکن گزیده و در نتیجه هستی خود در جهان را تثبیت کرده باشد (عشقی، ۱۳۹۳). از نظر شولتز مسکن هویت فرد را محرز کرده و احساس امنیت و آرامش روانی به او می‌دهد (راپپورت، ۱۳۹۲). مسکن و معماری مسکن به دلیل ارتباط پیوسته با زندگی انسان‌ها بیشترین ظرایف و پیچیدگی‌ها را دارد. زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی از جمله عواملی هستند که در شکل‌گیری آثار معماری به ویژه مسکن بسیار مؤثرند با آغاز هزاره سوم و رشد روزافزون علم و فناوری و گسترش ارتباطات، تحولات گوناگونی در سطح زندگی روزمره رخ داده و شیوه زندگی مردم، نیازها و متعاقب آن کالبد و محیط زیست آنها تغییر کرده است (اهری و همکاران، ۱۳۶۷). در ایران نیز تحول در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، افزایش ناگهانی جمعیت، مهاجرت به شهرها، عدم مدیریت صحیح، کمبود امکانات ساخت، عدم آشنایی دست‌اندرکاران با تکنولوژی ساخت تأثیرات نامطلوبی را در معماری به ویژه حوزه مسکن در زمینه کیفی داشته است. ذکر این نکته ضروری است که شرایط اجتماعی - فرهنگی جامعه معاصر به‌گونه‌ای است که تمامی خصیصه‌های فرهنگ معاصر را نمی‌توان منطبق بر خصیصه‌های دوران سنتی فرهنگ ایرانی دانست و بر همین مبنا نیز مفاهیم بسیاری هستند که در روزگار معاصر دچار تطور معنایی شده‌اند. این موضوع در مفاهیم مرتبط با خانه نیز کاملاً مشهود است. هویت مسکن زمانی در معماری تحقق می‌پذیرد که حداقل سه نیاز اساسی انسان، یعنی: نیازهای زیستی، نیازهای اقتصادی و نیازهای اجتماعی از طریق بنای معماری پاسخ‌دهی شود (عشقی، ۱۳۹۳). از این طریق می‌توان مفهوم مسکن در معماری را تبیین نمود: (شکل ۲).



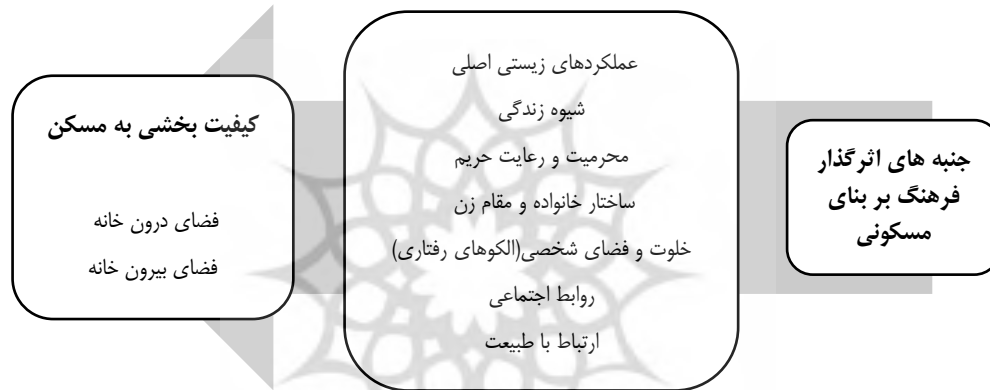
شکل ۳. عوامل تعیین‌کننده مفهوم مسکن در معماری

۵-۲. فرهنگ و جنبه‌های اثر گذار آن بر سازماندهی بنای مسکونی

ارزش‌های کالبدی و محتوایی معماری در عاملی به نام «فرهنگ» متجلی می‌شوند که خود پدیده‌ای نوظهور نبوده و به یک باره در متن زندگی سکونتگاه‌های بشری به وجود نیامده است، بلکه سیر تحول و تکامل آن همواره با گذر زمان همراه بوده است (لطفی، ۱۳۹۰). از نتایج توجه به فرهنگ در مسکن می‌توان به «کیفیت بخشی به مکان» اشاره داشت (لطفی و همکاران، ۱۳۹۵). اینکه افراد ترجیح

^۱ در لغت‌نامه دهخدا مسکن چنین معنی شده: جای باشش و خانه، منزل و بین، جای سکونت و مقام، جای آرام.

می دهند در خانه هایی زندگی کنند که مطابق با فرهنگ گذشته آنها باشد. به این دلیل است که خانه هایی که منطبق بر فرهنگ مردم طراحی شده اند، مکمل الگوهای رفتاری آن فرهنگ هستند (گیفورد، ۱۳۷۸). راپاپورت فرهنگ را یک ایده، اندیشه، مفهوم و ساختار نظری بر می شمرد. به علاوه آن را یک ویژگی برای بسیاری از موضوعات همچون تفکر انسان، اعتقادات، اعمال و نحوه انجام آن می داند. طراحان و محققان همواره بر اهمیت و تاثیر فرهنگ در محیط های مصنوع تاکید کرده اند، اما در رابطه با چیستی فرهنگ و یا چگونگی اثرگذاری آن بر محیط، نظریه جامعی ارائه نداده اند. در تعاریف ارائه شده از فرهنگ بوسیله محققان به اثرگذاری فرهنگ بر سه موضوع اصلی اشاره شده است که عبارت اند از: روش زندگی، جنبه های ذهنی و عادات انسان و همسازي با محیط های مختلف. (Rapaport, 2005) داراب دیبا نیز در بیان ارتباط معماری و فرهنگ با جمع بندی آرای مختلف می گوید: «آنچه که همه صاحب نظران و متخصصان زبده در زمینه معماری و جامعه شناسی به آن اشاره داشته اند، این است که معماری هر جامعه، آیین تمام نمای روح فرهنگی آن جامعه است.» وی معماری را عصاره خصوصیات جامعه می داند و می گوید: «معماری نمی تواند به طور انتزاعی و بی ارتباط با جامعه به وجود آید. این معماری باید به گونه ای اجتنابناپذیر از فرهنگ بستر خود الهام گیرد؛ در عین حال که مسیرهای تحول و تکامل را با تکیه بر علم و معرفت و با بهره گیری از کانون های اطلاع رسانی و ابزارهای رایانه ای با سرعتی شگرف، با هوشمندی طی کند» (آزادی، ۱۳۸۰). جالب آن است که انعطاف پذیری در فرهنگ مسکن ایرانی وجود داشته است. مثلاً خانه ایرانی دارای تنوع پذیری (فضای چند عملکردی)، تطبیق پذیری (جابجایی فضلی و روزانه) و تغییر پذیری (تفکیک و تجمیع) بوده است. دلیل آن را می توان در آن دانست که جوامع سنتی، به دلایل عرفی و محلی، همیشه رابطه ای دوسویه میان طراح که معمولاً ساکنان هم بود و بهره بردار برقرار می نمود (عینی فر، ۱۳۸۲).



شکل ۴. جنبه های اثر گذار فرهنگ بر بنای مسکونی

۲.۶- ارزیابی پس از بهره برداری (POE):

فرآیند ارزیابی یک بنا به گونه ای روش مند و با شیوه های خالص و دقیق در زمانی که مدتی از ساخت و اشغال شدن شان گذشته است را POE یا ارزیابی پس از بهره برداری می نامیم. این ارزیابی زمانی انجام می شود که مدتی از کار کردن تمام اجزای ساختمان سپری شده و سیستم های ساختمانی به اصطلاح جا افتاده اند و مسائل شان آشکار شده است. از لحاظ واژه شناسی POST اشاره به مقطع زمانی ارزیابی دارد یعنی زمانی که ساختمان مدتی به طور عادی مورد استفاده بوده است. از سوی دیگر POST در برابر Pre این ارزیابی را از ارزیابی های فرآیند طراحی و یا حین عملیات اجرایی متمایز می کند. واژه Occupancy هر چند برابر نهاده اشغال در فارسی است اما از آن جا که ناظر به حضور بهره برداران در فضای معماری است این واژه دارای بار معنایی منفی نیست. برای واژه Evaluation نیز معادل رایج آن یعنی ارزیابی به کار گرفته شده است (اکبری بالدرلو، ۱۳۹۲). بنابراین ارزیابی پس از بهره برداری، عبارتی است که دامنه وسیعی از فعالیت هایی را که هدفش شناخت چگونگی عملکرد ساختمان های ساخته شده و میزان رضایتمندی کاربران ساختمان و محیط ساخته شده می باشد، دنبال می کند. در واقع تعریف مشخصی ارزیابی پس از بهره برداری و واژه هایی که در ارتباط با آن استفاده می شود؛ مثل بازبینی طراحی محیطی، ارزیابی ساختمان های از حال استفاده، بازبینی پس از سکونت، ارزیابی تسهیلات و ارزیابی عملکرد ساختمان (هاشم نژاد و همکاران، ۱۳۹۲). کیفیت مجتمع های مسکونی مستلزم هماهنگی پارامترهای کالبدی برای دستیابی به یک نظام سکونتی مطلوب است. دستیابی به کیفیت مطلوب نیاز به ارزیابی و بررسی مجموعه های مسکونی دارد. برای ارزیابی و آسیب شناسی مجموعه های مسکونی، شیوه های مختلفی وجود دارد که یکی از این شیوه های مهم، ارزیابی پس از بهره برداری فرآیند ارزیابی ساختمانها با توجه به نظر کاربران و اهداف فنی پس از بهره برداری آن است. نکته بسیار مهم در این روش این است که قبل از شروع هر نوع ارزیابی، بسیاری است که در مورد تعداد ارزیابی های بعد از سکونت تصمیم گیری شود که؛ دقیقاً چه چیزی قرار است ارزیابی شود. لذا به معنای واقعی کلمه، P.O.E. ارزیابی ساختمان بعد از زمانی

است که مورد استفاده قرار می‌گیرد (ون در وورت، ۱۳۹۲). با بررسی و مطالعه چهارچوب‌های مطرح شده در P.O.E و مرور متون داخلی، می‌توان مولفه‌های ارزیابی پس از بهره‌برداری در ایران را در یک جمع‌بندی به صورت زیر بیان نمود:

جدول ۳. چهارچوب نهایی در ارزیابی با توجه به آرا صاحب‌نظران ایرانی

ارزیابی کارایی فنی و تکنیکی ساختمان	آسایش محیطی - سیستم‌های تاسیساتی - سیستم‌های محیطی - انطباق پذیری سیستم‌ها - دوام سیستم‌ها - ایمنی حریق - ایمنی سازه - آکوستیک - امنیت - بهداشت	ارزیابی پس از بهره‌برداری: موضوعات محیطی
ارزیابی عملکردی ساختمان	آسایش و راحتی - کیفیت فضایی - تسهیلات و تجهیزات - خدمات	
ارزیابی رفتاری ساختمان	جنبه‌های روانشناختی و اجتماعی - رضایت کاربر - مسائل زیبایی‌شناسی - مشارکت در طراحی	
ارزیابی حقوقی و مدیریتی	اهداف مدیریتی - میزان پیروی از قوانین - هزینه‌های اولیه - هزینه‌های کارکردی ساختمان - هزینه چرخه حیات بنا	

۳. پیشینه پژوهش

ادبیات پژوهشی تحقیق را می‌توانیم با توجه به موضوع کیفیت فضای مسکن و مجموعه‌های مسکونی، رضایتمندی سکونتی، تکنیک‌های ارزیابی و فرهنگ شکل‌گیری مسکن در معماری دسته‌بندی و بررسی نماییم، چراکه اصولاً معماران، پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف مرتبط با معماری، مسکن را از دیدگاه‌های متعدد مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند. لذا در ادامه با توجه به حوزه‌بندی‌های برشمرده، به برجسته‌ترین مطالعات و پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود.

جدول ۴. خلاصه پیشینه تحقیقات

کیفیت فضای مسکونی، رضایتمندی از محیط مسکونی، ارزیابی پس از بهره‌برداری		
هدف اصلی پژوهش، ارزیابی کیفیت ادراکی محیط بر مبنای میزان رضایتمندی ساکنان از محیط ساخته شده و کیفیت فیزیکی محیط در راستای سنجش نحوه ارتباط میان ذهنی و عینیت محیطی محلی است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر زیر شاخص‌ها، تعامل میان فرد و محیط و سطح رضایت فرد به امکانات و وضعیت فیزیکی محیط بستگی دارد.	۱۳۹۲	داداش پور و روشنی،
این پژوهش با به‌آزمون‌گذاردن یکی از روش‌های معتبر در ارزیابی فضای مصنوعی که به نام ارزیابی پس از بهره‌برداری POE در ادبیات معماری شناخته می‌شوند به ارزیابی نمونه‌ای از فضاهای درمانی در شهر رشت پرداخته است. در مجموع این پژوهش نشان می‌دهد استفاده از این ابزارها که ایده اصلی آن رجوع به کاربر فضا برای کسب اطلاعات است در فضاهای درمانی زمینه تحقیق اطلاعات نادرست و بی‌اعتباری درباره محیط مورد ارزیابی تولید می‌کند.	۱۳۹۲	اکبری بالدرلو
در این پژوهش سعی در ارائه روش منطقی در ارزیابی ساختمان دارد تا ضمن شناخت وضع موجود بازخوردها جهت اصلاح نواقص، شناسایی و از نتایج در طراحی و ساخت ساختمان‌های آتی بهره‌برداری شود. متغیرهای کیفیت فضایی، امنیت فضایی، راحتی فضایی، صرفه جویی در مصرف انرژی و آسایش محیطی در ساختمان مدرسه بر اساس ارزیابی پس از بهره‌برداری POE انجام شده است.	۱۳۹۲	فارس و هنردان
هدف از این پژوهش، بررسی مؤلفه‌های بخش کیفیت در شهرک مسکونی است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مؤلفه‌های بصری، ادراکی، اقتصادی، اجتماعی و زمانی با میانگین بالا ۳ در شهرک امید تهران است ۴/۲۸ درصد مربوط به کیفیت کالبدی بوده و این امر بیانگر این است که این مجتمع از نظر طراحی و ساخت مطلوب بوده و ساکنین از محل سکونت خود رضایت دارند.	۱۳۹۴	حسینی و همکاران
هدف این مقاله تحلیل تفاوت کیفیت کالبدی محیط مسکونی بازسازی شده محلات شهر بم و در ادامه تحلیل رابطه آن با وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانوارهای محلات مختلف می‌باشد. بر اساس نتایج مشخص شد که کیفیت کالبدی محیط مسکونی خانوارهای محلات مختلف متفاوت است و با متغیرهای شغل و درآمد تحصیلات دارای رابطه معناداری می‌باشد.	۱۳۹۵	قدیری و شهرباکلی،
نتایج حاصل از این پژوهش، در ارتباط با بعد عینی کیفیت زندگی در قلمرو مسکن حاکی از آن بود که به غیر از شاخص‌های کیفیت مسکن و میانگین مساحت قطعات و تعداد اتاق در واحد مسکونی سایر شاخص‌های کیفیت زندگی در مسکن از وضعیت مناسب تری نسبت به نواحی شهری کشوری برخوردارند. کیفیت زندگی به چهار قلمرو شامل کیفیت مسکن، فضای مسکن، امنیت تصرف و تعلق به مسکن تعریف می‌شود.	۱۳۹۴	زبردست و نورانی
بر اساس نتایج این پژوهش، میزان رضایت ساکنین در رابطه با کیفیت محیط در حد متوسط و در برخی ابعاد مطلوب به دست آمده است نتایج آزمون برای رضایت از کیفیت محیط سکونتی در سه شاخص اندازه و تسهیلات و مسکن، شرایط درونی و بیرونی تا حدودی معنی‌دار بوده است.	۱۳۹۴	طیبی مسرور رضایی مؤید
بر اساس نتایج این پژوهش، حس تعلق با ارزیابی معیارهای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، ملاقات با همسایگان، وجود خاطرات، مکان‌های ماندگار، فعالیت‌های گروهی و نحوه مشارکت در بهبود محیط زندگی تعیین شده که نشان داد شهرک کوثر تهران از لحاظ کیفیت محیط و حس تعلق در وضعیت خوب قرار دارد.	۱۳۹۴	بهرام پور و مدیری
این پژوهش بر اساس مطالعه موردی و مبنای مدل CPTED با هدف تاثیر احساس امنیت بر میزان رضایتمندی سکونتی در مجتمع مسکونی هزار دستگاه نازی آباد تهران انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که احساس امنیت ساکنان در سطح متوسط اما رضایتمندی سکونتی آنان در سطح پایین است. و این احساس امنیت و رضایتمندی سکونتی در این مجتمع رابطه معناداری وجود دارد.	۱۳۹۴	مطلبی و خدادای آق قلع و اکبری
در این پژوهش به بررسی عوامل مرتبط با میزان رضایت از کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی پرداخته و با استفاده از ارزیابی کمی، نظرات ساکنین دو مجتمع مسکونی در تبریز بررسی شده است. نتایج بررسی نشان داد که میانگین رضایت پاسخگویان در حیطه خیلی زیاد و زیاد قرار دارد که به دلیل کیفیت مطلوب از نظر طراحی و ساخت، سطح بالایی از رضایت ساکنین فراهم شده است.	۱۳۹۶	یوسف زاد فرخی و موسوی،
هدف از این پژوهش سنجش کیفیت محیط سکونت شهری در شهر ارومیه است. نتایج تحقیق نشان داده است که بعد محیطی با میانگین ۲/۸۷ وضعیت نامناسب بعد اجتماعی - فرهنگی با میانگین ۲/۸۸ وضعیت خوب بعد اقتصادی ۲/۶۸، بعد کالبدی ۲/۵۹ و بعد مدیریتی ۲/۵۱ نتایج پایین بودن رضایت ساکنین است. [۶]	۱۳۹۷	شکرگزار و همکاران،

در مطالعه ها ووپر، با استفاده از پرسش نامه شرایط موجود محیط مسکونی ۱۰۴۱ نفر از ساکنان را بر اساس ۷ شاخص محیط مسکونی برحسب معیار رضایتمندی ارزشیابی کردند. انجام تحلیل عاملی بر روی امتیازات کیفیت، هفت عامل مسکونی شامل کیفیت خانه سازی، برنامه ریزی، طراحی چشم انداز، کیفیت اجتماعی، فرهنگی، خدمات عمومی، امنیت محیطی، سیاست خانه سازی و اقتصاد خانه سازی را نشان داد. [۴۰]	Ha and weber, 1994
در این گزارش بهره وری انرژی و مصرف انرژی در ساختمان ها و رضایت کاربران با نظرسنجی به روش POE برای ارتقای زیست مورد بررسی واقع شده است. عملکرد پنجره ها، سایه پنجره ها، سیستم های مدیریت انرژی، تهویه مطبوع، کنترل و سرعت روشنایی، عایق سازی، سیستم خنک کننده، نو روز مورد ارزیابی واقع شده است.	Gladisce and partners, 2009
این مقاله رضایتمندی مسکونی به روش ارزیابی پس از ساخت در نیجریه را بررسی کرده است. کیفیت فیزیکی در این محیط تأکید شده است. نتایج نشان می دهد و تأیید می کند که کیفیت ویژگی های فیزیکی خاصی در محیط مسکن ضروری است و در نتیجه بر میزان رضایتمندی مسکن تأثیرگذار است.	Jiboye, 2012
این مقاله بررسی تاثیر فاصله بین فضایی در کیفیت محیط های مسکونی، دو جز اصلی خصوصیات ساکنین و خصوصیات بیان فضایی را بررسی می کند. سه محیط مسکونی در کرمان را مورد بررسی قرار داد و نتایج حاکی از آن است: ارتباط مستقیمی بین RSAT و ISQ در هر سه سطح فضاهای میان و خصوصیات ساکنین مانند مالیکت و دوره مسکونی رابطه دارد.	Moeini and Einyfar, 2012
در این مطالعه رضایت مسکن در ایالت اوگان نیجریه طبق پرسش نامه ای در محوطه مسکونی در بین سال ها ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ انجام شده است. نتایج بررسی ها نشان می دهد سطح رضایتمندی ساکنان از خانه ها بیشتر از محله و امکانات بود. مؤلفه های رضایتمندی مسکونی، کفایت راحتی و امنیت راحتی و بصری، اندازه منطقه زندگی و خواب مدیریت مسکن است.	Offia ibem and Adawo, 2013
این مطالعه عوامل مؤثر بر تنوع فضایی مشخص و کیفیت آن در نیجریه در ۲۲ ایالت، مورد بررسی قرار داده است. ۳ حیطه برای آن در نظر گرفته شده است. حیطه ۱، شامل: تامین برق توالیت ها، منابع هوایی آب، سقف های با کیفیت، پوشش های دیوار آپوش بسیار بالا. حیطه ۲: دیوارها، مواد سقف و کفپوش، انواع خانه سنتی حیطه ۳: فقط روی دیوار و توالیت عمومی تمرکز می کند. در نهایت ساختمان هایی که از کیفیت های فوق برخوردار بوده باید ابزاری دقیق و تشخیص برای آنها می شویم.	Morenikeji and Partners, 2017
بررسی سطح رضایت کلی مجتمع های مسکونی در شیراز با مؤلفه های POE نشان می دهد که ساکنان مجتمع های مسکونی کوتاه مدت در مقایسه با مجتمع های مسکونی بلندمدت، سطح رضایت مسکونی بالاتری دارند که در آن، ابعاد اجتماعی، زیبایی شناختی، عملکردی و محیط داخلی، ابعاد طراحی نقش اساسی دارد.	Hosseini et al., 2023

۴. محدوده مورد مطالعه

اهواز، کلان شهری تاریخی در جنوب غرب ایران و مرکز استان خوزستان و مرکز شهرستان اهواز می باشد. پس از جابجایی مرکز استان از شوشتر به اهواز در سال ۱۳۰۳ خورشیدی، تا به امروز، اهواز به عنوان مرکز استان خوزستان شناخته می شود. اهواز هشتمین شهر پرجمعیت ایران، و از نظر پهنا، ششمین شهر بزرگ ایران می باشد. این شهر که در بخش مرکز استان خوزستان قرار دارد، در موقعیت جغرافیایی ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی، در بخش جلگه ای خوزستان و با ارتفاع ۱۸ متر از سطح دریا واقع شده است. این شهر ارتباط زمینی و هوایی مختلفی با سایر نقاط کشور دارد و بندرهای مختلفی را به هم متصل می کند. بر پایه آخرین آمار رسمی، ۳۲٪ مردم استان خوزستان در کلان شهر اهواز زندگی می کنند. از این جمعیت ۳۵٪ در حاشیه شهر مستقرند و از این رو پس از کلان شهر مشهد، اهواز جایگاه دوم حاشیه نشینی را داراست. ۵۱٪ نفت شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب کشور ایران، در اهواز تولید می شود و برخی از بزرگترین کارخانه های مادر کشور در این شهر جای دارند. شهر اهواز با ۳۱،۸۰۰ هکتار مساحت، سومین شهر وسیع ایران پس از تهران و مشهد است، جمعیت آن نیز در سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱،۱۱۲،۰۲۱ نفر بوده که اهواز را در جایگاه هفتمین شهر پرجمعیت ایران قرار می دهد.



شکل ۵. محدوده جغرافیایی شهر اهواز

۵. مواد و روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف در زمره مطالعات کاربردی قرار می‌گیرد، زیرا در پی دستیابی به شناختی عمیق از مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضایی مجموعه‌های مسکونی شهر اهواز است. از نظر ماهیت و روش اجرا نیز، مطالعه حاضر از نوع کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است که بر درک تجربیات زیسته و برداشت‌های ذهنی ساکنان از فضای مسکونی خود تأکید دارد. این رویکرد با توجه به هدف پژوهش، یعنی کشف عوامل فرهنگی و معنایی مؤثر بر رضایتمندی فضایی، امکان بررسی عمیق‌تر روابط میان ابعاد کالبدی، عملکردی و فرهنگی را فراهم می‌کند. از منظر راهبرد پژوهش، مطالعه حاضر از راهبرد ارزیابی پس از بهره‌برداری (Post Occupancy Evaluation - POE) با تأکید بر رویکرد فرهنگ‌مبنا استفاده کرده است. در این چارچوب، فضاهای مسکونی نه صرفاً به عنوان محیط‌های کالبدی، بلکه به مثابه نظام‌های معناداری بررسی شده‌اند که تجربه‌ی ساکنان را در تعامل با مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی شکل می‌دهند. بدین منظور، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ساکنان مجموعه‌های منتخب و نیز مصاحبه‌های تخصصی با خبرگان معماری مسکونی گردآوری گردیده است که در نهایت با انتخاب تعداد ۱۹ نفر و رسیدن به اشباع نظری تکمیل گردید. مصاحبه‌ها به صورت روایی انجام شده و هدف از آن‌ها کشف الگوهای ذهنی و معنایی ساکنان در درک کیفیت فضایی بوده است. در کنار مصاحبه‌ها، مشاهده میدانی و تحلیل محتوای متون اسنادی و تصویری (نقشه‌ها، عکس‌ها، و مشاهدات مستقیم از فضاهای مورد بررسی) نیز مورد استفاده قرار گرفته است تا از مثلث‌سازی داده‌ها برای افزایش اعتبار نتایج بهره گرفته شود. جامعه مورد مطالعه شامل ساکنان مجموعه‌های مسکونی پس از انقلاب در شهر اهواز است.

برای مطالعه کیفی، پنج مجموعه مسکونی شاخص (از میان ۳۱ مجتمع شهر) شامل شهرک نفت، مجموعه آب و برق گلستان، توسعه نیشکر، کوی مهندسان و کوی استادان چمران انتخاب شده‌اند. انتخاب این موارد به صورت نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است که بر پایه معیارهایی همچون: تنوع اجتماعی-اقتصادی ساکنان، میزان سرزندگی و تعاملات اجتماعی، ویژگی‌های فرهنگی و بومی، و تفاوت‌های کالبدی میان مجموعه‌ها انتخاب شده‌اند. شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها از میان ساکنان و مدیران مجتمع با سوابق اقامت متفاوت، و نیز معماران و کارشناسان آشنا با پروژه‌های مسکونی اهواز انتخاب شدند تا تنوع دیدگاه‌ها تضمین شود. حجم نمونه بر اساس اشباع نظری تعیین گردید که در نهایت به تعداد ۱۹ نفر رسید؛ یعنی فرایند گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که الگوهای معنایی تکرار شدند و داده‌ی جدیدی به تحلیل افزوده نمی‌شد. برای تحلیل داده‌ها از «تحلیل محتوای کیفی» با رویکرد استقرایی استفاده شد. داده‌های متنی حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات پس از پیاده‌سازی کامل، چندین بار خوانش و کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر اساس مضامین کلیدی مرتبط با کیفیت فضایی و فرهنگ‌مبنا انجام گرفت. سپس کدها در قالب مقوله‌های اصلی مانند «عوامل کالبدی و ادراکی»، «الگوهای اجتماعی و فرهنگی»، و «تجربه‌ی زیسته‌ی رضایتمندی فضایی» سازمان‌دهی شدند. برای افزایش دقت تحلیل‌ها، از روش بازبینی همتایان و بازخورد مشارکت‌کنندگان استفاده شد. در مرحله نهایی، نتایج تحلیل‌های کیفی مبنای تدوین الگوهای مفهومی و پیشنهادهای سیاستی برای ارتقای کیفیت فضایی مجموعه‌های مسکونی در بستر فرهنگی اهواز قرار گرفت. ملاحظات اخلاقی شامل رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان، حفظ محرمانگی داده‌ها، و بی‌طرفی محقق در فرایند تحلیل به طور کامل رعایت گردید.

۶. یافته‌های پژوهش

به منظور دستیابی به درکی عمیق از چگونگی تأثیر شاخص‌های فرهنگی بر کیفیت فضایی مجموعه‌های مسکونی شهر اهواز، از رویکرد تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis) بهره گرفته شد. این رویکرد به دلیل ماهیت تفسیرگرایانه خود، امکان استخراج مضامین پنهان در داده‌های متنی حاصل از مصاحبه‌ها، مشاهده‌های میدانی و اسناد طرح‌های معماری را فراهم می‌سازد. فرایند تحلیل داده‌ها به صورت گام‌به‌گام و بر اساس چارچوب نظری پژوهش انجام گرفت و شامل مراحل زیر بود:

۱. گردآوری داده‌ها

در گام نخست، داده‌های کیفی از طریق مشاهده مستقیم محیط‌های مسکونی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ساکنان و مدیران مجتمع‌ها و بررسی اسناد طراحی و پلان‌های معماری گردآوری گردید. در هر مجتمع، داده‌ها حول محور شاخص‌های فرهنگی مؤثر بر رضایتمندی فضایی ساکنان؛ از جمله ابعاد فرهنگی، اجتماعی، کالبدی-محیطی، روانی، زیبایی‌شناختی، عملکردی و زیست‌محیطی جمع‌آوری شدند.

۲. آشنایی با داده‌ها (Immersion)

بعد از گردآوری داده‌ها تمامی یادداشتهای میدانی، متون مصاحبه و مشاهدات به دفعات بازخوانی شدند تا پژوهشگر به درک عمیق و همه‌جانبه‌ای از محتوای تجربی دست یابد. در این مرحله، گزاره‌های مرتبط با تجربه زیسته ساکنان در رابطه با محیط زندگی، احساس تعلق، امنیت، آرامش، یا نارضایتی فضایی شناسایی و علامت‌گذاری شدند.

۳. کدگذاری اولیه (Open Coding)

در این مرحله، واحدهای معنایی (Meaning Units) از متن استخراج و هر عبارت دارای معنا یا تجربه خاص با یک کد مفهومی اولیه مشخص گردید. به عنوان نمونه، عباراتی مانند «نور کافی در فضاهای شبانه» یا «نبود حریم بصری بین تراس‌ها» به ترتیب با کدهایی مانند نور و روشنایی مطلوب یا نقض حریم خصوصی مشخص شدند.

۴. تجمیع کدها و استخراج مقوله‌ها (Axial Coding)

بعد از تعیین مفاهیم اصلی، کدهای مشابه و هم‌معنا در قالب مقوله‌های سطح میانی (Sub-categories) سازمان‌دهی شدند. سپس این مقوله‌ها با اتکا به چارچوب نظری پژوهش در محورهای کلان‌تر ادغام گردیدند. برای مثال، مقوله‌های «نور طبیعی»، «تهویه مناسب» و «رعایت جهت‌گیری اقلیمی» در طبقه‌ی «عوامل زیست‌محیطی» جای گرفتند.

۵. شکل‌گیری مقوله‌های نهایی و ابعاد تحلیلی (Selective Coding)

در گام نهایی، تمامی مقوله‌ها در قالب مولفه‌های نهایی تحلیل محتوای کیفی دسته‌بندی شدند که شامل: عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل روانی، عوامل تجربی زیبایی‌شناختی، عوامل کالبدی-محیطی، عوامل عملکردی، عوامل زیست‌محیطی بودند. هر یک از این عوامل نیز، زیرموقله‌هایی نظیر «آداب و رسوم»، «روابط همسایگی»، «کنترل حریم‌ها»، «رنگ و فرم»، «تناسب فضاها»، «خوانایی محیط» و «تهویه طبیعی» را دربر می‌گیرد.

۶. تدوین جداول تحلیلی

پس از تثبیت کدها و مقوله‌ها، یافته‌های هر مجتمع مسکونی در قالب جداول خلاصه تحلیل محتوای کیفی تنظیم شدند. در این جداول، ارتباط میان شاخص‌های فرهنگی و کیفیت فضایی هر مجتمع بر مبنای مشاهده‌های میدانی، درک ساکنان و تحلیل معماری مستند گردید. هر جدول به منزله‌ی تصویری فشرده از ادراک فرهنگی-فضایی ساکنان در بستر کالبدی خاص آن مجتمع می‌باشد که در ادامه برای نمونه، جهت مشاهده و مقایسه نتایج نهایی بدست آمده از مولفه‌ها و زیر مولفه‌های اصلی دو مجتمع مسکونی کوی مهندسان و نیشکر اهواز به شرح زیر ارائه می‌شود.

جدول ۵. بررسی و نتایج حاصل از مطالعات کیفی مجموعه مسکونی کوی مهندسان اهواز

مؤلفه‌ها		شاخص فرهنگی		بررسی و نتایج حاصل از مطالعات کیفی
عوامل فرهنگی	شیوه زندگی	آداب و رسوم		<p>واحد‌ها متناسب با روش زندگی افراد است .</p> <p>فضاهای داخلی به دو بخش عمومی و خصوصی تفکیک شده اند .</p> <p>اما پذیرایی با آشپزخانه مشترک است. فضایی برای مهمان در نظر گرفته نشده است .</p> <p>درب واحدها کنار هم ، تراس‌ها روبروی هم ، پنجره‌ها کنار و روبروی هم .</p> <p>ساکنین از فرهنگ‌های متفاوت و حتی از اقلیم‌های مختلف در این مجموعه ساکن شده اند.</p> <p>در ارتباط با مشاعات و محیط با مسائل فرهنگی و بومی منطقه هیچ‌سختی وجود ندارد.</p> <p>در واحد‌ها پنجره‌ها روبروی هم باز می‌شوند و حریم بصری وجود ندارد.</p> <p>در این مجموعه فضای دینی وجود ندارد.</p> <p>در این مجموعه هیچ فضایی منوط بر انجام آداب و رسوم در نظر گرفته نشده است.</p>
		ارتباط با خود		
		ارتباط با خانواده		
		ارتباط با دیگران		
		ارتباط با طبیعت		
	هویت همساز با محیط	ارتباط با خدا		
		اهمیت		
		افتخار		
		عدم تمایل به جایگزینی		
عوامل اجتماعی	برقراری تعاملات اجتماعی	میزان روابط همسایگی		<p>تعاملات همسایگی در پارکینگ‌ها و فضای گشاد جلوی برخی از بلوک‌ها انجام می‌پذیرد. تعاملات قوی نیست.</p> <p>بلوک‌ها به شکل یکسان تکرار شده اند و گره‌های مشخصی برای شناخت وجود ندارد. خوانایی کم نیست زیرا گره‌ها زیاد نیست . مسیرها طولانی است .</p> <p>نور و روشنایی در شب فقط در خیابان‌های اصلی است. فضاهای تاریک و دنج لایه لایه بلوک‌ها و پشت آنها اماکن را ترسناک نشان می‌دهد.</p> <p>این مجموعه دارای هیئت امنای مرکزی است و دارای حراست است .</p> <p>مردم از امنیت مجموعه رضایت دارند .</p> <p>همسایگان در پرداخت شارژ ماهیانه زیاد همکاری ندارند.</p> <p>مشاعات فرسوده است و ساکنین همکاری برای بهبودی وضع محیط ندارند.</p> <p>نظارت و کنترل ورود و خروج به مجموعه خوب است و ساکنان از امنیت راضی هستند.</p>
		شناخت همسایگان		
		مشارکت		
		همگونی اجتماعی و فرهنگی ساکنان		
	تکریم مهمان			
امنیت روانی	حریم صوتی			
	فضای بازی برای کودکان کم است و دور از مجموعه هاست.			

<p>فضایی برای الگوهای رفتاری و سنین مختلف وجود ندارد نماهای ساختمانی ساده و با الگوی یکسان تکرار شده اند . ساکنین از نماهای تکراری و یکدست احساس خستگی دارند بیشتر ساکنین برخی از تراس ها را بسته اند و به عنوان فضای طبخ از آن استفاده می کنندو یا اینکه برای جلوگیری از دید همسایگان به داخل خانه این کار را انجام داده اند . محیط تقریباً آرام به نظر می رسد اما ساکنین بعضاً از دعوای همسایگان و یا خانواده ها شکایت دارند .</p>	حریم بصری	<p>رویت پذیری فضای بازی کودکان</p> <p>روشنایی و نور پردازی فضاها</p> <p>اعتماد به همسایگان</p> <p>عدم وجود چهره های نا آشنا و غریبه</p> <p>عدم وجود مزاحمت های نا خواسته</p> <p>پرهیز از فضاهای دنج و تاریک پرخطر</p> <p>امکان گفتگو و صرف اوقات فراغت سالمندان</p> <p>عرصه بندی خصوصی و عمومی فضاها</p> <p>امنیت ساختاری</p> <p>آرامش و آسایش</p>	<p>دید و منظر طبیعی</p> <p>ارتباط با فضای سبز (آب و گیاه)</p> <p>هندسه و تناسبات انسانی</p> <p>رنگ و فرم و تنوع</p> <p>پرهیز از تزئینات زیاد</p> <p>انسجام نما و وحدت</p> <p>هماهنگی با بافت پیرامون</p>	<p>استفاده از مصالح بومی منطقه از آجر و نماهای آجری با سازه های بتنی دو جداره بلوک ها سه طبقه بدون آسانسور در نظر گرفته شده اند . بلوک ها به صورت متمرکز و چیدمان نواری کنار هم گرد آمده اند . واحد ها سه خوابه هستند. با سه تراس در اطراف فضاهای عمومی در فضای گشادی که جلوی بلوک ها ایجاد شده شکل میگیرد فضایی متناسب با الگوهای رفتاری و برای سنین مختلف در نظر گرفته نشده است. فضاهای داخلی الگوی عرصه عمومی و خصوصی را دارند . اما از آشپزخانه به پذیرایی دید است محل دشتشویی در کنج اما روبروی در ورودی است. فضاها و ابعاد متناسب با نیاز زیستی ساکنان است. حریم های خصوصی و عمومی در بلوک ها رعایت نشده است. در ها در طبقات کنار هم قرار دارند امکان دید به داخل واحد ها هست . پاگرد ها با فضای تقسیم واحدها یکی هستند دسترسی سواره و پیاده از هم جدا هستند و گاهی با هم تلفیق می شوند . فضاها قابل تشخیص هستند و ابهامی برای مسیریابی در مجموعه نیست . دسترسی به حمل و نقل عمومی و فضاهای شهری به راحتی امکان پذیر نیست زیرا مجموعه از شریان اصلی فاصله داشته و حمل و نقل عمومی برای در نظر گرفته نشده است در برخی نقاط تداخل محدود مسیرهای پیاده و سواره وجود دارد.</p>
	حریم تجسسی			
	حریم خصوصی			
	امنیت ساختاری			
	آرامش و آسایش			
	دید و منظر طبیعی			
	ارتباط با فضای سبز (آب و گیاه)			
	هندسه و تناسبات انسانی			
	رنگ و فرم و تنوع			
	پرهیز از تزئینات زیاد			
	انسجام نما و وحدت			
	هماهنگی با بافت پیرامون			
	اندازه و مساحت خانه			
تناسب و اندازه فضاها با تعداد نفرات خانواده				
فضای مهمان				
مکانیابی صحیح فضاها				
آرایش آپارتمانها و واحد های مسکونی				
پلان ساده و عدم پیچیدگی				
توجه به ارتفاع (افقی گرای)				
رعایت حریمیت در فضاها				
کنترل حریم ها و کنترل مشرفیت				
معماری ایرانی				
سلسله مراتب دسترسی ها				

<p>یکنواختی در نما و ورودی‌ها موجب کاهش تنوع بصری شده است.</p>	خوانایی محیط	<p>عوامل زیست محیطی</p>
	توده و فضا (چیدمان مطلوب بلوکها)	
	انعطاف پذیری	
	خدمات عمومی و تسهیلات	
	ایمنی و امنیت	
<p>حدوداً ۲۵ درصد مجموعه از فضای سبز تشکیل شده که خود ساکنین باغچه ها را به کاشت گل و گیاه مزین می کنند . در این مجموعه امکان توسعه فضایی و توسعه فضای سبز وجود ندارد. ساختمان های روبروی هم و کنار هم چیده شده اند. این مجموعه در محله مسکونی عابدی نزدیک به فرودگاه اهواز است . و فاقد اماکن ورزشی، تفریحی، رفاهی یا مذهبیست. دسترسی به حمل و نقل عمومی برای مجموعه نیست. جهت گیری ساختمان ها شرقی غربی است . از همه جهات نور میگیرند . دارای تهویه مناسب هستند . اما دید از تراس ها و پنجره ها کنار هم ایجاد شده است. بلوک ها به هم اشراف دارند . فضای سبز منطقه کم است و متناسب با اقلیم و بوم منطقه نیست</p>	<p>آسایش اقلیمی(تهویه و نور طبیعی) طراحی همساز با اقلیم و طبیعت امنیت زیست محیطی(مخاطرات) ارتباط با فضای سبز و طبیعت بومی</p>	<p>وضعیت بهداشت محیط</p>

جدول ۶. بررسی و نتایج حاصل از مطالعات کیفی مجموعه مسکونی منازل نیشکر		
مؤلفه ها	شاخص فرهنگی	بررسی و نتایج حاصل از مطالعات کیفی
مؤلفه های ذهنی	عوامل فرهنگی	<p>ادب و رسوم</p> <p>ارتباط با خود</p> <p>ارتباط با خانواده</p> <p>ارتباط با دیگران</p> <p>ارتباط با طبیعت</p> <p>ارتباط با خدا</p>
		<p>شیوه زندگی</p> <p>اهمیت</p> <p>افتخار</p> <p>عدم تمایل به جایگزینی</p>
		<p>هویت همساز با محیط</p>
		<p>میزان روابط همسایگی</p> <p>شناخت همسایگان</p> <p>مشارکت</p> <p>همگونی اجتماعی و فرهنگی ساکنان</p> <p>تکریم مهمان</p>
		<p>برقراری تعاملات اجتماعی</p>
	عوامل اجتماعی	<p>تعاملات همسایگی در فضای سبز مرکزی بیشتر در زمان های شب انجام می شود. بیشتر در پارکینگ ها با هم مراوده دارند . بلوک ها به شکل یکسان تکرار شده اند و گره مشخصی برای عدم خوانایی محیط یا ابهام در آن وجود ندارد. نور و روشنایی در شب فقط مختص فضای مرکزی واسط است فضاهای پشت بلوک ها و ویلاها تاریک و ترسناک به نظر می رسد. این مجموعه داری حراست و مدیریت مرکزی است. نظارت و کنترل ورود و خروج بر مجموعه وجود دارد. ساکنان از امنیت مجموعه راضی هستند. در این مجموعه همسایگان تعاملات قوی ندارند و از سر و صدای یکدیگر ناراضیاتی دارند.</p>
	عوامل روانی	<p>حریم صوتی</p> <p>حریم بصری</p> <p>حریم تجسسی</p> <p>حریم خصوصی</p> <p>رویت پذیری فضای بازی کودکان</p> <p>روشنایی و نور پردازی فضاها</p> <p>اعتماد به همسایگان</p>
	<p>در این مجموعه فضای بازی کودکان وسط مجموعه است و خانواده از این موضوع آرامش خاطر دارند. نمادهای ساختمان ها ساده و ترکیب با احجام ساده است که از نظر دید بصری آرامش روانی را در پی دارد اما بافت فرسوده است. محیط آرام به نظر می رسد.</p>	

		مؤلفه‌های عینی		ارزیابی فنی - تکنیکی و ارزیابی عملکردی ساختمان											
	عدم وجود چهره‌های نا آشنا و غریبه	امنیت ساختاری	دید و منظر طبیعی	ارتباط با فضای سبز (آب و گیاه)	هندسه و تناسبات انسانی										
	عدم وجود مزاحمت‌های نا خواسته					رنگ و فرم و تنوع پرهیز از تزئینات زیاد انسجام نما و وحدت هماهنگی با بافت پیرامون									
	پرهیز از فضاهای دنج و تاریک پرخطر														
	امکان گفتگو و صرف اوقات فراغت سالمندان														
عرصه بندی خصوصی و عمومی فضاها															
	کیفیت و نحوه ساخت (مصالح و اجرا)	آرامش و آسایش	اندازه و مساحت خانه	تناسب و اندازه فضاها با تعداد نفرات خانواده	فضای مهمان										
	رعایت حقوق دیگران					مکانیابی صحیح فضاها									
	آسایش درون خانه						آرایش آپارتمانها و واحد های مسکونی								
	آسایش بیرون خانه							پلان ساده و عدم پیچیدگی توجه به ارتفاع (افقی گرایی)							
بهداشت روانی (فطری بودن پاکیزگی)	رعایت محرمیت در فضاها کنترل حریم ها و کنترل مشرفیت معماری ایرانی														
		عوامل عملکردی	سلسله مراتب دسترسی ها	خوانایی محیط	توده و فضا (چیدمان مطلوب بلوکها)	انعطاف پذیری			خدمات عمومی و تسهیلات	ایمنی و امنیت					
							ضعف روشنایی در برخی مسیرهای فرعی شبانه وجود دارد.								
											عوامل زیست محیطی	آسایش اقلیمی (تهویه و نور طبیعی)	طراحی همساز با اقلیم و طبیعت	امنیت زیست محیطی (مخاطرات)	ارتباط با فضای سبز و طبیعت بومی
	حدود ۲۰ درصد مجموعه فضای سبز است این مجموعه دارای سک مرکزی فضای فضای سبز مابین مجتمع ها و ویلاهاست . که امکان تعاملات اجتماعی راحتتری را فراهم میکند. جهت گیری ساختمان هه شرقی غربی و شمالی جنوبی است. ساختمان ها از همه جهات نور میگیرند. و تهویه هوا خوب انجام می شود. واحد ها به هم دید ندارند اما به مجموعه مرکزی دید دارند. تراس ها رو به مجموعه مرکزی است .														

پنجره ها رو به هم نیست ولی باز هم با پرده پوشانده می شوند.
فضای سبز کم و متناسب با اقلیم و بوم منطقه نیست.
و راهکارهای مقابله با اقلیم در مجموعه برقرار نیست.

۷. کنترل روایی و پایایی تحلیل

به منظور اطمینان از اعتبار و پایایی فرایند تحلیل کیفی، از دو رویکرد مکمل استفاده شد. نخست، بازبینی مشارکت کنندگان (Member Check) به منظور تأیید درستی برداشت‌ها و تفسیرها صورت گرفت؛ بدین معنا که بخش‌هایی از تحلیل‌های انجام شده و مفاهیم استخراجی به صورت گزیده به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد تا صحت و انطباق یافته‌ها با تجربه‌های زیسته‌ی آنان ارزیابی شود. بازخوردهای دریافتی نشان داد که برداشت‌های پژوهشگر با واقعیت‌های موردنظر مشارکت کنندگان همخوانی داشته و نیاز به اصلاح اساسی وجود نداشت. در گام دوم نیز، به منظور بررسی همگرایی تفسیری میان پژوهشگر و همکار علمی، بخشی از داده‌ها به‌طور مستقل توسط دو کدگذار تحلیل و کدگذاری شد. برای سنجش میزان توافق بین آن‌ها از ضریب کاپای کوهن (Cohen's Kappa) استفاده گردید. مقدار به‌دست‌آمده برای این ضریب برابر با 0.84 گردید که نشان‌دهنده‌ی توافق بسیار بالا و پایایی قابل اطمینان در فرایند کدگذاری و تحلیل داده‌ها است. بنابراین، با اتکا بر نتایج حاصل از بازبینی مشارکت کنندگان و میزان بالای همگرایی بین دو کدگذار، می‌توان اطمینان نمود که روایی درونی و پایایی تحلیل‌های کیفی این پژوهش در سطح مطلوبی تأمین شده است.

۸. مقایسه تطبیقی مجتمع‌های مسکونی اهواز

در راستای دستیابی به شناختی عمیق از کیفیت فضایی مجموعه‌های مسکونی و درک چندلایه از میزان رضایتمندی ساکنان، تحلیل تطبیقی بین مجتمع‌های منتخب انجام گرفت. این تحلیل بر مبنای رویکرد فرهنگ-مینا و با تکیه بر اصول نظریه‌های رفتار-محیط، روان‌شناسی محیطی و کیفیت ادراک شده صورت پذیرفت. هدف از ارائه‌ی این جداول، بررسی هم‌زمان دو بُعد ذهنی و عینی کیفیت فضا است تا بتوان میزان هم‌پوشانی ادراک ساکنان (عوامل ذهنی) را با ویژگی‌های کالبدی و عملکردی محیط (عوامل عینی) مشخص کرد. بدین ترتیب، تحلیل‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی در قالب دو محور اصلی زیر ساختار یافته‌اند:

۱. مولفه‌های ذهنی: شامل ابعاد فرهنگی، اجتماعی، روانی و زیبایی‌شناختی فضا که بیانگر تجربه‌ی زیستی و ادراک ساکنان از محیط است.
 ۲. مولفه‌های عینی: شامل ویژگی‌های کالبدی-محیطی، عملکردی و زیست محیطی که بیانگر قابلیت‌های واقعی فضا در پاسخ‌گویی به نیازهای کاربران است.
- این ساختار تطبیقی به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا نقاط قوت و ضعف هر مجموعه را در دو سطح «ادراک» و «واقعیت فضایی» تحلیل کرده و به درکی یکپارچه از کیفیت فضا و زمینه‌های ارتقای آن برسد.

جدول ۷. مقایسه تطبیقی مجتمع‌های مسکونی بر اساس مولفه‌های ذهنی

عوامل تجربی زیبایی‌شناختی	عوامل روانی	عوامل اجتماعی	عوامل فرهنگی	مجتمع مسکونی
حضور پررنگ طبیعت؛ هماهنگی رنگ و بافت؛ آرامش بصری بالا	احساس امنیت و آرامش روانی بالا؛ رعایت نسبی حریم‌ها	تعاملات اجتماعی پویا؛ همبستگی درون گروهی بالا؛ حس تعلق به محله	همگنی نسبی فرهنگی و مذهبی؛ وجود فضاهای جمعی فعال؛ هماهنگی نسبی محیط با الگوهای فرهنگی بومی	شهرک نفت اهواز
یکنواختی نما؛ کمبود فضای سبز؛ جذابیت بصری پایین	احساس امنیت متوسط؛ ضعف در حریم خصوصی	تعاملات محدود؛ نبود حس اجتماع؛ روابط فردگرایانه	ناهمگونی فرهنگی؛ غلبه الگوهای مدرن غیر بومی؛ کمبود فضاهای آیینی	کوی مهندسان
هماهنگی رنگ با بستر؛ اما فرسودگی کالبدی؛ جذابیت بصری کم	احساس آرامش نسبی ولی امنیت اجتماعی ضعیف	روابط همسایگی کم‌رنگ؛ مشارکت اجتماعی پایین	ترکیب فرهنگی بومی ولی فاقد انطباق کالبدی؛ هویت فرهنگی ضعیف	منازل نیشکر
زیبایی محیطی مطلوب؛ استفاده از گیاهان بومی؛ حس تعلق قوی	احساس امنیت و آرامش بالا؛ رعایت حریم‌ها	تعاملات محدود ولی احترام اجتماعی بالا؛ نظم در روابط	انسجام فرهنگی بالا؛ وجود مسجد و نشانه‌های مذهبی؛ توجه به ارزش‌های فرهنگی	کوی استادان چمران
فضای سبز گسترده ولی نماهای ناهماهنگ؛ حس تعلق کم	آرامش محیطی مطلوب؛ ضعف در امنیت اجتماعی شیبانه	روابط درون گروهی قوی؛ مشارکت محلی پایین	غلبه فرهنگ محلی عربی؛ کمبود هماهنگی کالبد با ارزش‌های بومی	گیت بوستان

بر اساس این نتایج می‌توان دریافت که کوی استادان چمران و شهرک نفت اهواز بیشترین انسجام فرهنگی، امنیت روانی و رضایت زیبایی‌شناختی را دارا هستند؛ عواملی که مستقیماً با مفهوم «دلبستگی مکانی» و «خوانایی محیط» در نظریه لینچ همخوانی دارد. در مقابل،

کوی مهندسان و نیشکر به دلیل ناهمگونی فرهنگی و ضعف در طراحی فضاهای مشارکتی، رضایت ذهنی پایین‌تری دارند. از این رو، حضور نشانه‌های فرهنگی و طراحی بومی‌محور، به‌طور مستقیم موجب ارتقای کیفیت ادراک‌شده فضا شده است.

جدول ۸. مقایسه تطبیقی مجتمع‌های مسکونی بر اساس مؤلفه‌های عینی

مجتمع مسکونی	عوامل کالبدی-محیطی	عوامل عملکردی	عوامل زیست‌محیطی
شهرک نفت اهواز	مقیاس انسانی مطلوب؛ تراکم مناسب؛ جدایی مسیر پیاده و سواره؛ رعایت حریم‌ها	سلسله مراتب دسترسی مناسب؛ خدمات کامل؛ ایمنی بالا	فضای سبز گسترده؛ تهویه طبیعی مطلوب؛ هماهنگی با اقلیم گرم اهواز
کوی مهندسان	چیدمان خطی بلوک‌ها؛ حریم خصوصی ضعیف؛ فضاهای باز محدود	عملکرد کارآمد اما فاقد انعطاف؛ خدمات ناقص	فضای سبز کم؛ نور و تهویه مناسب ولی ناسازگار با اقلیم
منزل نیشکر	طراحی متمرکز؛ تراکم بالا؛ حریم‌ها ناکافی	سلسله‌مراتب ساده؛ خدمات حداقلی	فضای سبز کم؛ تهویه مطلوب؛ همسازی اقلیمی ضعیف
کوی استادان چمران	ساختار منظم؛ تناسب فضاهای داخلی؛ جدایی عرصه‌ها	چیدمان خوانا؛ خدمات متوسط؛ ایمنی مناسب	فضای سبز بومی؛ نور طبیعی کافی؛ طراحی اقلیم‌محور
گیت بوستان	فضاهای داخلی متناسب ولی سخت‌تغییر؛ نماهای غیرهمگون	خدمات متنوع اما ناهماهنگ؛ ضعف در سلسله‌مراتب	فضای سبز وسیع ولی نگهداری ضعیف؛ نورپردازی ناکافی

نتایج این بررسی نیز نشان می‌دهد که در بعد کالبدی، مجتمع‌های استادان چمران و شهرک نفت به دلیل تفکیک عرصه‌ها، مقیاس انسانی و جدایی مسیرها، از کیفیت بالاتری برخوردارند. از منظر عملکردی، تنها شهرک نفت دارای ساختار کامل خدمات و ایمنی است. در بعد زیست‌محیطی، هر دو مجموعه‌ی نفت و استادان چمران با اصول طراحی همساز با اقلیم و حضور گسترده‌ی فضای سبز، بیشترین رضایت را ایجاد کرده‌اند؛ در حالی که نیشکر و مهندسان کمترین هماهنگی را با بوم منطقه دارند. از منظر نظری، این یافته‌ها با اصول نظریه‌ی محیط‌های پاسنگو (Bentley et al., 1985) مطابقت دارد؛ زیرا مجموعه‌هایی که دارای «خوانایی»، «تنوع» و «انعطاف فضایی» هستند، بیشترین احساس تعلق و رضایت را در ساکنان خود ایجاد می‌کنند.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر با هدف «تبیین مؤلفه‌های رضایت ساکنان از کیفیت فضایی مجموعه‌های مسکونی شهر اهواز» و ارزیابی مقایسه‌ای مجتمع مسکونی منتخب این شهر نشان داد که کیفیت سکونتی محصول تعامل پیچیده بین ابعاد ذهنی (فرهنگی، اجتماعی، روانی، زیبایی‌شناختی) و ابعاد عینی (کالبدی-محیطی، عملکردی، زیست‌محیطی) است که بایستی به همه آنها به‌طور همزمان توجه شود. یافته‌ها تأیید می‌کنند که انطباق فرهنگی و مشاوره با کاربران ساکنان، به عنوان یک عنصر کلیدی برای ارتقای کیفیت فضا عمل می‌کند؛ این امر در مجتمع‌هایی که هماهنگی میان شیوه زندگی ساکن و طراحی فضا به خوبی برقرار بوده (مثلاً مجتمع «کوی استادان چمران» و «شهرک نفت») ملموس‌تر دیده می‌شود. نتایج این پژوهش نشان داد که در بعد ذهنی، فرهنگ و الگوهای رفتاری و اجتماعی ساکنان بیشترین نقش را در درک کیفیت فضا ایفا کردند. هم‌خوانی یا ناهم‌خوانی فرهنگ زیستی با سازمان فضایی مجتمع‌ها به‌طور مستقیم بر احساس تعلق، امنیت روانی و رضایت از محیط سکونت اثرگذار بود. به ویژه، در مجتمع‌هایی که طراحی فضاها متناسب با الگوهای زیست بومی و روابط همسایگی اهوازی شکل نگرفته بود، احساس بی‌هویتی، گسست اجتماعی و ناراضی‌تری بیشتری مشاهده شد. در بعد عینی نیز، کیفیت کالبدی و عملکردی مجتمع‌ها (شامل سلسله‌مراتب دسترسی، خوانایی محیط، نحوه استقرار بلوک‌ها، ایمنی و خدمات عمومی) تعیین‌کننده میزان آسایش و تعامل اجتماعی ساکنان بود. بررسی تطبیقی نشان داد که طراحی‌های مبتنی بر نظم فضایی روشن، دسترسی منطقی، و وجود فضاهای نیمه‌عمومی زنده و نظارت‌پذیر، بیشترین همبستگی را با رضایت سکونتی دارند. در تطبیق با پژوهش‌های پیشین، نتایج پژوهش ما با پاره‌ای از یافته‌های مطالعات خارجی انجام یافته‌ای همچون مطالعه (Hosseini et al., 2023; Offia ibem and Adawo, 2013; Ha and weber, 1994) و همچنین مطالعات داخلی همچون (شکرگزار و همکاران، ۱۳۹۷؛ مطلبی و خدادادی آق قلعه و اکبری ۱۳۹۴؛ یوسف زاد فرخی و موسوی، ۱۳۹۶) هم‌خوانی و شباهت‌های مشترکی دارد. لذا علاوه بر عوامل کالبدی (عملکردی، زیبایی، محیط داخلی) که می‌تواند حتی از مؤلفه‌های اجتماعی اثرگذارتر باشد، پژوهش ما این نکته را نیز به‌روشنی نشان داد که در بستر اهواز، فاکتور فرهنگ محلی و تطابق کالبدی با شیوه زندگی ساکنان اهمیت ویژه‌ای دارد و این نکته‌ای بود که کمتر در مطالعات قبلی دیده شده است. بنابراین از منظر طراحی و برنامه‌ریزی، می‌توان نتیجه گرفت که فضاهای مسکونی موفق، آن‌هایی هستند که علاوه بر تأمین عملکرد و کالبد مناسب، زبان فرهنگی-فضایی ساکنان را بازتاب می‌دهند. به عبارت دیگر، حتی زمانی که خدمات، دسترسی‌ها و شرایط کالبدی مطلوب باشند، در صورت غیبت «حس تعلق» یا «انسجام فرهنگی-فضایی» ساکنان، رضایت‌کامل محقق نخواهد شد. بنابراین، طراحی مسکن در اهواز باید فراتر از استانداردهای عمومی کالبدی رفته و به خوانایی فضایی، نمایان‌سازی ارزش‌های فرهنگی، و ساختارهای تعامل اجتماعی محلی بپردازد. از این منظر، ارتقای

کیفیت فضایی در مجتمع‌های مسکونی اهواز نیازمند رویکردی انسان‌محور، فرهنگ‌بنیاد و میان‌رشته‌ای میان معماری، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی محیطی است.

بنابراین، با توجه به نتایج این تحقیق، انتظار می‌رود توجه به این ابعاد و اندازه‌گیری سیستماتیک آنها بتواند طراحی ساختمان‌های مسکونی آینده را بهبود بخشد و در نتیجه، سطح رضایت ساکنان را در سال‌های آینده از متوسط به بالا افزایش دهد. در واقع، در طراحی مجتمع‌های مسکونی جدید در اهواز، با در نظر گرفتن بازخوردهای مداوم و توجه به خواسته‌ها و انتظارات مردم توسط استفاده از روشهایی همچون POE، می‌توان از اشتباهات در پروژه‌های آینده جلوگیری کرد و عوامل طراحی موفق را در پروژه‌های آینده حفظ نمود. این امر به نوبه خود می‌تواند منجر به تأمین رفاه و آسایش ساکنان در درازمدت شود. این یافته‌ها بستری را ایجاد می‌کنند تا بتوان عملکرد ساختمان‌ها را پس از سکونت به طور مداوم ارزیابی کرد و رضایت بیشتری را در مجتمع‌های مسکونی فراهم نمود.

در ادامه با توجه به نتایج حاصله، پیشنهادات سیاستی و کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

-ادغام مطالعات فرهنگی-رفتاریدرفازپیش‌طراحی: پیش از آغاز طراحی مجتمع‌های مسکونی، انجام مطالعات میدانی دقیق در خصوص «سبک زندگی، ارزش‌های فرهنگی، تعاملات همسایگی و حس تعلق ساکنان بالقوه» توصیه می‌شود تا طراحی بتواند با زمینه فرهنگی منطبق گردد.

-بازطراحی مقیاس فضاهای جمعی و مسیرها: طراحی مسیرهای پیاده و سواره، فضاهای نیمه‌عمومی (محیط‌گذرها، فضاهای تعامل) و بلوک‌ها باید با تأکید بر خوانایی، سلسله‌مراتب فضایی و دسترس‌پذیری آسان انجام شود؛ زیرا یافته‌های ما نشان داد در مجتمع‌های با خوانایی پایین، رضایت عملکردی و روانی ضعیف‌تر بود. -حل مسئله خدمات، عملکرد و انعطاف‌پذیری فضاها: واحدها و فضای عمومی باید قابلیت انطباق با نیازهای متغیر خانوارها را داشته باشند؛ ایجاد فضاهای چندمنظوره، تسهیلات محلی در مقیاس خانوادگی و حفظ ایمنی و امنیت از اولویت‌ها هستند. این پیشنهاد با نتایج پژوهش‌هایی چون «مسکن ارزان‌قیمت و رضایت ساکنان ایران» هم‌راستا است که خدمات و عملکرد را عامل کلیدی می‌دانند. -طراحی اقلیم‌محور، فضای سبز بومی و تهویه طبیعی: طراحی باید بر مبنای اصول اقلیمی منطقه اهواز (جهت‌گیری، تهویه، نور طبیعی، فضای سبز بومی) صورت گیرد تا آسایش زیست‌محیطی و رضایت ساکنان افزایش یابد. این یافته با نتایج پژوهش شیراز مبنی بر تأثیر کالبدی بر رضایت نیز همخوان است. -پایش مستمر و فرایند ارزیابی پس از سکونت (POE): ایجاد سازوکاری برای ارزیابی پس از بهره‌برداری مجتمع‌های مسکونی به صورت منظم پیشنهاد می‌شود. این سازوکار باید شامل بازخورد ساکنان، تحلیل عملکرد فضایی و خدمات، و تنظیم راهبردهای ارتقای کیفیت هم باشد تا بهبودی پایدار حاصل شود. -تقویت مشارکت ساکنان و مدیریت محلی: فرآیند طراحی، بهره‌برداری و نگهداری باید با مشارکت ساکنان صورت گیرد تا حس مالکیت و مسئولیت در آنها تقویت گردد. این اقدام می‌تواند همبستگی اجتماعی و رضایت ذهنی را ارتقا دهد و با یافته‌های تحقیق ما درباره ارتباط بین تعاملات همسایگی و کیفیت فضایی منطبق گردد.

منابع:

۱. اکبری بالدرو، سجاد. (۱۳۹۲). بررسی امکان استفاده از روشهای ارزیابی پس از بهره‌برداری در ارزیابی فضاهای درمانی در جامعه ایران. نقش جهان. سال سوم. شماره ۲. صفحات ۲۳ تا ۳۳.
۲. اهری، ز. حبیبی، م. خسروخاور، ف. ارجمندنیاء، ا. (۱۳۶۷). مسکن حداقل. انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. ص ۷.
۳. آزادی، اسماعیل (۱۳۸۹)، اندیشه معماران معاصر ایران ۱، تهران، انجمن مفاخر معماری ایران، نشر فرهنگ صبا.
۴. بهرامپور، عطیه و مدیری، آتوسا. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آنها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی. دوره ۲۰. شماره ۳.
۵. تیسدل، استیون، تراک، تیم هیت و متوکارمونا. (۱۳۹۴). مکان های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری. مترجمان: اسماعیل صالحی، مهشید شکوهی، فریبا قرائی و زهرا اهری. دانشگاه هنر تهران.
۶. حاجی حسینی، مهدی و شهاییان، پودیان. (۱۳۹۳). بررسی میزان رضایتمندی سکونتی در محله سهیل تهران. معماری و شهرسازی آرمانشهر. شماره ۱۳.
۷. حسینی، سیدباقر و همکاران. (۱۳۹۴). بررسی مؤلفه های سنجش کیفیت شهرک مسکونی (مطالعه موردی: شهرک امید). معماری و شهر پایدار. سال سوم و شماره اول.
۸. دادشپور، هاشم و روشنی، صالح. (۱۳۹۲). ارزیابی تعامل میان فرد و محیط زندگی در محلات جدید با استفاده از سنجش کیفیت عینی و ذهنی مطالعه موردی: شهرک نفت تهران. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهری. شماره ششم.
۹. دامیار، سجاد. ناری قمی، مسعود. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی مفهوم فضا در معماری بومی و معماری مدرن، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۷ شماره ۱.

۱۰. دروری، محمدرضا، جهانشاهلو، لعل و سیدکمال الدین شهریار. (۱۳۹۳). سنجش میزان رضایتمندی ساکنین مسکن مهر بارویکرد مدیریت شهری (مطالعات موردی: مجتمع بوستان شهر جدید هشتگرد). فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری. سال سوم. سال نهم.
۱۱. رایپورت، آموس، (۱۳۹۲). انسان شناسی مسکن، ترجمه: خسروافضلیان، چاپ دوم، مشهد: کتابکده کسری.
۱۲. رضایی، محمدرضا و کمائی زاده، یعقوب. (۱۳۹۱). ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنان از مجتمع های مسکن مهر مطالعه موردی: سایت مسکن مهر فاطمیه شهر یزد. مطالعات شهری، دوره ۲، شماره ۵.
۱۳. رفیعیان، مجتبی، عسکری، علی و عسکری زاده، زهرا. (۱۳۸۸). بخش میزان رضایتمندی سکونتی ساکنین محله نواب. پژوهشهای جغرافیایی. شماره ۶۷.
۱۴. زبردست، اسفندیار و نورائی، همایون. (۱۳۹۴). سنجش کیفیت زندگی در قلمرو مسکن در بافتهای فرسوده واجد ارزش تاریخی شهر اصفهان. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. دوره ۲۱، شماره ۴.
۱۵. شکرگزار، اصغر و همکاران. (۱۳۹۷). بخش کیفیت محیط سکونت شهری با رویکرد رضایتمندی مبتنی بر دیدگاه تجربی (نمونه موردی: شهرارومیه). مطالعات محیطی هفت حصار. شماره ۲۴، سال ششم.
۱۶. صوفی نیستانی، مینا و رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۳). ارزیابی اثرات سازمان اجتماعی- کالبدی محله نارمک شمالی بر رضایتمندی سکونتی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۱، صفحه ۱۱۳-۱۴۰.
۱۷. طبی مسرور، ابوالقاسم و رضایی مؤید، صادق. (۱۳۹۴). ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت های مسکونی در مجتمعهای مسکونی؛ موردپژوهشی: مجتمعهای مسکونی شهر همدان. مدیریت شهری. شماره ۴۰.
۱۸. عابدی، سیمیا، کریمی مشاور، مهرداد و علیرضا مددی. (۱۳۹۳). چارچوب نظری سنجش معیارهای عینی کیفیت محیط با تأکید بر نظریه رضایتمندی سکونتی و بازخورد آن در طراحی مجموعه های مسکونی. مطالعات محیطی هفت حصار شماره هشتم. سال دوم.
۱۹. عشقی، خاطره. (۱۳۹۳). طراحی مجتمع مسکونی با رویکرد پایداری اجتماعی مطالعه موردی: شهرایلام. تهران: دانشگاه پیام نور تهران شرق، پایاننامه کارشناسی ارشد معماری
۲۰. عظیمی حسن آبادی، علیرضا. (۱۳۹۲). اندیشه معماران معاصر ایران ۲، تهران: انجمن مفاخر معماری ایران، نشر فرهنگ صبا
۲۱. علی پور، روجا، خادمی، مسعود، سنماری، محمدمهدی و مجتبی رفیعیان. (۱۳۹۱). شاخصه های کیفیت محیطی در شناسایی اولویت های مداخله در محدوده بافت فرسوده شهری بندر لنگه. باغ نظر. ۹، ۱۳-۲۲.
۲۲. علیمردانی، مسعود، مهدی نژاد، جمال الدین و طلیعه افهمی. (۱۳۹۵). رشد کیفی فضای شهری به منظور ارتقا تعاملات اجتماعی (نمونه موردی خیابان احمد آباد مشهد). دو فصلنامه هنرهای کاربردی. شماره ۷.
۲۳. عینی فر، علیرضا، (۱۳۸۲)، "الگوی برای تحلیل انعطاف پذیری مسکن ایران"، نشریه هنرهای زیبا، تهران، شماره ۱۳: ۶۴-۷۷
۲۴. فارسی، طیب و هنردان، علی. (۱۳۹۲). ارزیابی پس از بهره برداری (POE) روش برای آزمون کارایی و عملکرد ساختمان از دیدگاه استفاده کنندگان (نمونه موردی: دبستان دختران حسین امین اصفهان). باغ نظر. شماره ۲۶. سال دهم. صفحه ۴۹ تا ۵۸.
۲۵. فرج پور باصر، سویل، موسوی، میرسعید و شبنم اکبری نامدار. (۱۴۰۰). بازشناسی عوامل موثر بر کالبد فضاهای مسکونی و سنجش میزان رضایتمندی ساکنان مجتمع های مسکونی از کیفیت کالبدی محیط مسکونی (مورد شناسی: مجتمع مسکونی آسمان تبریز). جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای. سال ۱۱. شماره ۴۱. صفحه ۱۴۹-۲۲۰.
۲۶. قدیری، محمود و شهریارکی، صغری. (۱۳۹۵). تحلیل کیفیت کالبدی محیط مسکونی بازسازی شده شهر بزم. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. سال شانزدهم. شماره ۴۰.
۲۷. گلکار، کوروش. (۱۳۸۷). مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه علمی- پژوهشی صفا، شماره ۹
۲۸. گیفورد، رابرت، (۱۳۷۸). ترجمه: قبادیان، وحید، "روانشناسی محیطهای مسکونی"، نشریه معماری و فرهنگ، شماره ۲ و ۳: ۹۸-۷۱
۲۹. لطفی، سهند. (۱۳۹۰). تبارشناسی بازآفرینی شهری: از بازسازی تا نوزایی، تهران: انتشارات آدرخش
۳۰. لطفی، سهند، شعله، مهسا، علیاکبری، فاطمه. (۱۳۹۵). تدوین چارچوب مفهومی کاربست اصول و آموزه‌های بازآفرینی شهری فرهنگ مینا، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۱۳
۳۱. مطلبی، قاسم، خدادادی آق قلعه، فاطمه و علی اکبری، (۱۳۹۴). تأثیر احساس امنیت بر رضایتمندی سکونتی در مجتمع مسکونی هزار دستگاه نازی آباد تهران بر اساس مدل C.O.T.E.D. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. دوره ۲۱، شماره ۱.
۳۲. ملک محمدنژاد، صارم و عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع های مسکونی (متعارف و بلند مرتبه). هنرهای زیبا، شماره ۳۲، تهران.
۳۳. ملکشاهی، غلامرضا، نیک پور، عامر و حبیبی، ساناز. (۱۳۹۷). مقایسه میزان رضایتمندی ساکنان از مجتمع های مسکونی مهر دولتی و خودمالک: مطالعه موردی شهر امل. مطالعات شهری، دوره ۷، شماره ۲۷، کردستان.
۳۴. وندروروت، ونوگان. ترجمه مهیار باستانی ۱۳۹۲. درآمدی بر برنامه ریزی، طراحی و ارزیابی کیفیت عملکردی، نشر کتابکده کسری، مشهد، جلد اول، ۱۳۹۲ بهار.

۳۵. هاشمیپور، پریسا، سامی، زیبا. (۱۳۹۷). کیفیت محیطی موثر در زیست پذیری مجتمع‌های مسکونی، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۳۰: ۵۴-۶۸.
۳۶. هاشم نژاد، هاشم، مسعودی نژاد، مصطفی و امین اله احدی. (۱۳۹۲). تاثیر کیفیت بازوها در رضایتمندی از محرمیت در مجموعه های مسکونی، نمونه موردی: مجموعه مسکونی شوشتر نو. معماری و شهرسازی آرمانشهر. شماره ۱۵.
۳۷. یوسف زاد فرخی، سئودا و موسوی، میرسعید. (۱۳۹۶). رابطه برخی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان رضایت از کیفیت زندگی در مجتمع‌های مسکونی (مجتمع آفتاب و برج تابان شهر کولی عصر تبریز). مطالعه جامعه شناسی. سال دهم. شماره چهارم.
38. Abdul Mohit, M., Ibrahim, M., & Rashid, Y. R. (2000). Assessment of residential satisfaction in newly designed public low-cost housing in Kuala Lumpur, Malaysia. *Habitat International*, 18–27.
39. Ali, H. H., Almomani, H. M., & Hindeih, M. (2009). Evaluating indoor environmental quality of public-school buildings in Jordan. *Indoor and Built Environment*, 18(1), 66–76.
40. Almomani, H. M., & Hindeih, M. (2009). Evaluating indoor environmental quality of public-school buildings in Jordan. *Indoor and Built Environment*, 18(1), 66–76.
41. Bahrapour, A., & Modiri, A. (2015). Study of relationship between residents' satisfaction from living environment and their attachment sense in Kowsar High-Rise Residential Complex. *Tehran University Journal*, 20(3), 85–94.
42. David, J. A. (2012). Post-occupancy evaluation of residential satisfaction in Lagos, Nigeria: Feedback for residential improvement. *Frontiers of Architectural Research*, 1, 236–243.
43. G. Ladics, G., & Partners. (2009). Post-occupancy evaluation. [Unpublished manuscript].
44. Ha, M., & Weber, M. J. (1994). Residential quality. [Unpublished report].
45. Hosseini, F., Iravani, H., & Parva, M. (2023). A comparative study of the level of residential satisfaction of residential complexes with post occupancy evaluation dimensions (A case study: Shiraz). *Creative City Design*, 6(3), 1–15.
46. Mihai, T., & Iordache, V. (2016). Determining the indoor environment quality for an educational building. *Energy Procedia*, 85, 566–574.
47. Moeini, M., & Einifar, M. A. (2012). Impact of in-between spaces on residential environment quality: A case study on public housing in Kerman. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 1(3).
48. Monavari, M., & Tabibian, S. (2006). Determination of environmental factors in location of new cities in Iran. *Journal of Environmental Sciences and Technology*, 8(3), 2–9.
49. Morenikeji, W., & Partners. (2017). Spatial analysis of housing quality in Nigeria. *International Journal of Sustainable Built Environment*, 6(2), 309–316.
50. Mumovic, D., & Santamouris, M. (2013). *A handbook of sustainable building design and engineering: An integrated approach to energy, health and operational performance*. Routledge.
51. Offia Ibem, E., & Aduwo, E. B. (2013). Assessment of residential satisfaction in public housing in Ogun State, Nigeria. *Habitat International*, 40, 163–175.
52. Rapaport, A. (2005). *Culture, architecture and design*. Locke Science Publishing Company, Inc.
53. Rapoport, A. (2012). *Culture, architecture and design* (M. Barzegar & M. Yousef Niapasha, Trans.). Sari: Shelfin Press. (Original work published 2005)
54. Sameh, R. (2014). Architectural capabilities in accordance with the concept of quality of human life in the Quran. *Interdisciplinary Research on Holy Quran*, 5(2), 75–108.
55. Schneider, T., & Till, J. (2007). *Flexible housing*. Oxford: Architectural Press.
56. Singh, A., Syal, M., Grady, S. C., & Korkmaz, S. (2010). Effects of green buildings on employee health and productivity. *American Journal of Public Health*, 100(9), 1665–1668.